



نشریه دانشجویان هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در خارج از کشور

در این شماره :

- عملیات پیشمرگان فدائی
- تشدید تضادهای رژیم و تلاشهای عناصر مطرود
- واکاوی چشمروشی "جهان" به مجاهدین
- راهکارها: اکنون میسم ناب در نفی کمیتها و مخفی اعتصاب
- بودجه سال ۱۳۶۳ و تشدید بحران اقتصادی
- جنگ لبنان و انقلاب فلسطین
- شناخت شناسی
- و ...



۲۲		تشدید تضادهای درونی رژیم و تلاشهای
۲۶	بودجه سال ۱۳۶۳ و تشدید بحران اقتصادی.	عناصر مضر و اطلاعیه سچفا خطاب به کارگران، اعضاء و هواداران سازمان اخبار ایران در مجلس شورای اسلامی چه میگذرد؟ مبارزه دلاوران مردم هشتگرد کرج گشت و گذار: وضعیت ورزش زنان در جمهوری اسلامی اخبار جهان جنگ لبنان و انقلاب فلسطین (۲) اخبار جنبش دانشجویی پیام سچفا به اولین کنگره رفقای
۳	مجاهدین: شکست یک استراتژی -	
۳۰	و اما چشمروشنی "جهان" به مجاهدین ...	
۳۵	دیدگاهها - راهکارگر: اکنون میسمناب	
۳۸	در نفی شعار "کمیتها"ی مخفی اعتماد ..	
۴۱	آموزش واژهها و مقولههای فلسفی،	
۴۹	سیاسی و اجتماعی: (۱) شناخت شناسی ...	
۵۳	نامههای از رضا محرمی، یکی از مبارزان	
۵۴	عملیات هواپیما رباشی، به مسعود رجوی ..	
۵۸	از خوانندگان (۲)	
۵۵	شعر دانشجویی	
۵۱	کدهای مالی	

عملیات قهرمانانه پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در منطقه با نه

در سوم مردادماه ۱۳۶۳ پیشمرگان فدائی با پیشمرگان حزب دمکرات ایران طی عملیاتی هماهنگ در منطقه با نه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را زیر گبار خود گرفته و سرکشنده دیگری را بر آنها وارد ساختند و رژیم جمهوری اسلامی را یکبار دیگر با آیندهای که در هرگونه کردستان در انتظار اوست، روبرو ساختند.

رژیم جمهوری اسلامی که با صرف امکانات گسترده و با تمام توان خود میکوشد در کردستان قهرمان به اهداف بلند خود دست یابد و برای رسیدن به اهداف خود از هیچ کاری فروگذار نمیکنند، با تمام تجهیزات و نیروهای انسانی که در سرتاسر کردستان در خدمت سیاست ارتجاعی خود گرفته است، نتوانسته است براراده خلق قهرمان کرد - مینی بررهائی از ستم ملی و ایجاد جامعه دمکراتیک، کوچکترین خللی وارد آورد، بلکه هر روز بیشتر از روز پیش خود را در با تلاق جنگی درگیر ساخته است که برای او هیچ چشم انداز روشنی در آن وجود ندارد. رژیم دهها و حتی صدها هزار نفر در گوشه و کنار کردستان بر جادههای آن بر کوهها و تمامی شهرهای آن مستقر ساخته است. به صورتی که از این طریق بتواند، تردد پیشمرگان مسلح خلق کرد را کنترل نماید و محدود سازد. ولی در عمل رژیم در هر کجای کردستان که پا گذاشته است به هدفی برای گلوله پیشمرگان قهرمان خلق کرد تبدیل شده است. و عملاً پای خود را بر روی گلوله های مذاب پیشمرگان گذاشته است.

روز سوم مردادماه نیز پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به همراه دسته ای از پیشمرگان رسته شهیدان "وردی" (دسته شهید رحمان غفوری) طی یک عملیات قهرمانانه و برنامهریزی شده از ساعت ۵ با مداد چسباده شوی - نژو در منطقه با نه را تحت کنترل خود در آورده به کمین مزدوران رژیم نشستند. در ساعت ۹ با مداد تا مین های چسباده را به زیر آتش مسلسلهای خود گرفتند و همزمان با این حمله قهرمانانه دسته دیگری از پیشمرگان نیز با یکباره نژو را زیر گبار سلاحهای خود گرفتند. این حمله هماهنگ چنان مزدوران رژیم را سراسیمه و غافلگیر ساخت

گرامی باد خاطره فدائیان خلق

دکتر رشوند سرداری
احسن و شهریارنا هید
انورا عظمی
رشید یزدان پناه (سمکو)
و ...



یا دصمد معلم کودکان روستا و
نویسنده انقلابی گرامی باد

تضادهای درونی رژیم و تلاشهای عناصر مطرود

با شروع کار دومین دوره مجلس شورای اسلامی، تضادهای درون هیئت حاکمه که خود ناشی از بحران مزمن اقتصادی و سیاسی جامعه است، یکبار دیگر خود را در ابعاد بمراتب عمیقتر و وسیعتر از گذشته، نشان داده است. این تضادها این بار در جریان رأی اعتماد گرفتن دولت میرحسین موسوی، نخست وزیر، و اعضای کابینه وی، خود را بروز داد. - مشاجرات اخیر حاکی از شکل گیری اپوزیسیون نیرومندی در درون رژیم است که گرچه خواسته هایش جدید و ماهیتاً با خواسته های بورژوازی غیر تجاری و صنعتی (بازرگانها، بنی صدر، خط "حجتیه") چندان تفاوتی ندارد، ولی کسانی آنرا رهبری میکنند که تا بحال وفاداریشان به رژیم جمهوری اسلامی و خمینی کمتر مورد تردید بوده است. در حقیقت همین نفوذ مذهبی و اتوریته روحانی مخالفین است که رفسنجانی، رئیس مجلس و موسوی، نخست وزیر را به وحشت انداخته است، بطوریکه رفسنجانی

را مجبور نمود تا در جلسه علنی روز ۱۴ مرداد بگوید: "این اظهاراتی که بعضی از آقایان مخالفین فرمودند، کل انقلاب را زیر سؤال برد". بنظر میرسد که رهبری ضمنی جناح مخالف جدید و پر قدرت را اینبار آذری قمی، رئیس "جامعه مدرسان و فضایی حوزه علمیه قم" بمعده دارد. حملات شدید موسوی، نخست وزیر و رفسنجانی به وی و عمده کردن وی در میان بقیه مخالفین، این نظر را تقویت میکند. اما نگرانی رفسنجانی و موسوی از جناح مخالف جدید از چیست؟ چنانچه نظر کوتاهی به اظهارات مخالفین در درون مجلس بیفکنیم، آنگاه متوجه علت نگرانی رهبران جناح غالب رژیم خواهیم شد. آذری - قمی، صراحتاً یکی از پایه های اصلی رژیم جمهوری اسلامی، یعنی اصل ولایت فقیه (یا بقول رفسنجانی کل "انقلاب") را زیر سؤال برده است. آذری قمی در جلسه علنی مجلس (۱۴ مرداد) گفت: "امام بعنوان یک مرشد و ناصح امین باید به وظیفه اش عمل کند

و به وظیفه اش هم عمل کرده و در مقاطع حساس هم میکند. آن نظیر خودش را بیان میکند که چنین و چنان است. من این را با کمال صراحت بشما عرض میکنم اگر ما در اینجا تحقیق نکنیم و به صرف این مطلب که ولی فقیه فرموده، پس ما باید رای بدهیم و عرض کنم که فردا خدا، پیغمبر، ملت و خود امام ممکن است از ما - مواخذه کند." (تاکید از ماست) آذری قمی، ولایت فقیه را که چیزی جز نمایندگی مطلق خدا و رسول خدا در کره زمین نیست، صراحتاً و در عین حال "مودبانه" نفی میکند و نقش امام را تا حد "ارشاد" و "نصیحت" تنزل میدهد. در این مورد کیهان در سرمقاله خود، ضمن نام بردن از جناح مخالف درون مجلس بعنوان "باند های سیاه سیاسی اقتصادی"، مینویسد: "دوم، مسئله مخالفت باندهای سیاسی - اقتصادی است که حضور قدرتمند خود را با دخالت ها و اقدامات انحرافی در امر توزیع کالاهای تجاری و محصولات کشاورزی نشان میدهند و مشروعیت

عملیات پیشمرگان فدائی...

که امکان هرگونه عکس العملی را از آنها سلب نمود. طی این عملیات جسورانه عنبر از افراد تا مین جاده به هلاکت رسیده و تعدادی از آنها زخمی گردیدند. هویت ۲ تن از کشته شدگان به نامهای: ۱- فاضل جمشیدی فرمانده بسیج پایگاه نژو اهل سربند ۲- حسین تربتی بسیجی شناسائی گردید. علاوه بر مزدوران که در کمین پیشمرگان به هلاکت رسیدند، در حمله به پایگاه نیز تعدادی از آنان به هلاکت رسیده و یا زخمی شدند که از تعداد آنها اطلاع دقیقی در دست نیست. در این عملیات غنائم زیربند است پیشمرگاه افتاد: ۱- تفنگ ژ-۳ ۲- قیضه ۲- خناب ژ-۳ ۳- عدد ۳- فشنگ ژ-۳ ۱۲۵ عدد بعد از این عملیات قهرمانانه، در حالیکه مزدوران رژیم از هر گوشه ای به تکاپو افتاده و سراسیمه اطراف خود را به توپ و خمپاره بسته بودند، تمامی پیشمرگان سالم به پایگاههای خود بازگشتند. تمام واقعیت های کنونی حملات روزافزون و جسورانه خلق کرد دیگر آشکار ساخته است که کمین پیشمرگان، حمله

آنها به پایگاههای دشمن، مین گذاری بر سر تیردود مزدوران آن و... عملیات پایگاهها و مراکز استقرار رژیم زندانهای مرگ تبدیل نموده است. رژیم جمهوری اسلامی که خود ارمغانی بجز کشتن و بمباران و ویرانی برای خلق کرد نداشته است و تمامی سلاحهای جهنمی خود را برای تجدید و احیای ستم ملی در کردستان بکار گرفته و می گیرد، اینک روزی نیست که خود به آماج کینه مرزندان خلق گردد تبدیل نگشته، ضربات خردکننده ای را نوح جان نکند. ضربات پی در پی و تحرک روزافزون پیشمرگان گویای این واقعیت است که رژیم هیچگاه نخواهد توانست به اهداف پلید خود دست یابد. پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کرد هرچه مستحکم تر باد اتحاد عمل نیروهای انقلابی علیه رژیم جمهوری اسلامی سرنگون باد جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق مرگ برا امپریالیسم جهانی برکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

سا زمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان ۶۴/۵/۷

اقدامات خود را در تضعیف دولت و غیر اسلامی خواندن آن نیز با توسل به محافل بعضاً روحانی بدست می‌آورند. اکنون وضع به آنجا رسیده است که مدعیان تبعیت از رهبری حضرت امام در مقابل رهنمودها و توصیه‌ها و سفارشات پدران امام بزرگوار می‌ایستند و نغمه مخالفت با دولت خدمتگزار را که بارها مورد تأیید و حمایت ایشان واقع شده است، سر میدهند. (تاکیدها از ماست)

نگرانی اساسی جناح غالب رژیم از گسترش نارضایتی توده‌ها و لاینحل ماندن مشکلات اقتصادی و سیاسی، بویژه مسئله جنگ است چرا که بر بستر همین مشکلات و نارضایتی‌هاست که جناح‌های مخالف انتقادها و حملات خود را به پیش می‌برند. از جمله انتقاداتی که شاید بتوان گفت برای اولین بار بطور علنی در مجلس طرح می‌شود، در مورد جنگ است. با توجه به نقشی که جنگ در حیات رژیم جمهوری اسلامی دارد، طبیعی است که این انتقادات قابل تحمل نباشد. میرزائی، نماینده فلاورجان، در انتقاد از سیاست دولت در مورد جنگ و اشاره ضمنی به این واقعیت که رژیم قادر به کسب پیروزی در این جنگ نیست، می‌گوید:

"هنوز کسی حاضر نیست بپذیرد که با سلاح امپریالیست‌ها نمیشود به جنگ امپریالیست‌ها رفت..."

امپریالیسم ما را در یک انزوای سیاسی داخلی و خارجی بهمان شکل که بر سر عبدالناصر و ملت مصر درآوردند و بالاخره مصر را که امیدی بود به دامن غرب کشاندند، قرار داده است. وزارت خارجه بدون داشتن یک سیاست واقع بینانه، برای مقابله با این انزوا همچنان با سیاست شعاری عمل میکند. (تاکیدها از ماست)

مخالفت‌های شدید سید احمد-

کاشانی، ولی‌الله زماشی و نمایندگان دیگری که با آذری قمی هم‌صدا شده بودند، در مورد وضعیت و خیم کشاورزی، تجارت خارجی، حمل و نقل، فراری دادن کادرهای متخصص و ماحبان صنایع، بی قانونی، تورم، عدم مدیریت، سانسور شدید بر مطبوعات و... همه و همه حکایت از عدم ثبات اقتصادی و سیاسی رژیم میکنند. بطوریکه این بار بخشی از نمایندگان رژیم خود مجبور شده‌اند اعتراف کنند که رژیم جمهوری اسلامی هنوز نتوانسته است برنامه و سیاست اقتصادی و خارجی مشخص و باثباتی را به پیش‌برد و همین امر به عدم لاینحل ماندن تضاد بین روبنای سیاسی و زیربنای اقتصادی جامعه کمک نموده است.

آنچه امروز بطور علنی تر و مشخص‌تر از گذشته به چشم می‌خورد، شکست عملی و انفراد "خط امام" و شعارهای "نه شرقی، نه غربی" آن و صدور انقلاب، دولتی کردن تجارت خارجی، تحدید سرمایه‌ها و زمین داری و امثالهم میباشد. در مقابل، امروزه طرفداران سیاستها و برنامه‌های "معقول و منطقی" و واقع بینانه "اسلامی در زمینه اقتصاد و سیاست خارجی، مجدداً از تریبون‌ها و محمل‌های قدرتشان استفاده جسته و علناً به دفاع از سیاست نزدیکی با غرب و "خروج از انزوای سیاسی"، "محکوم کردن تروریسم"، احترام هرچه بیشتر به حریم سرمایه و مالکیت، استفاده از متخصصین و سرمایه‌داران فراری، محکوم کردن سیاست‌های افراطی در زمینه حجاب و غیره، برخاسته‌اند. این جناح علاوه بر بخش مهمی در مجلس، تکیه گاه‌هایی نظیر قمی‌ها، گلپایگانی‌ها، مرعشی‌ها، شریعت‌مداری‌ها، و بخشی از شورای نگهبان ارتش و حتی جریان‌های لیبرالی نظیر "نهضت آزادی" و عناصر و شرکای مطرود رژیم نظیر مدنی‌ها و بنی‌صدرها را که خود طیف وسیعی را تشکیل

میدهند، به‌مراه دارد. در بخش بین‌المللی نیز امپریالیسم عمدتاً چشم به قدرت گرفتن کامل این جناح "منطقی و سربراه‌تر" دوخته است. محکوم کردن عمل مبن گذاری در کانال سوئز از طرف وزارت امور خارجه و بویژه خود خمینی درست یکی دو روز بعد از اعلام حمایت و ستایش از همین عمل توسط رادیو و تلویزیون و بخشی از مطبوعات رسمی، استقبال و گفتگوهای گسرم مقامات رژیم با وزیر امور خارجه آلمان و درعین حال فحاشی‌ها و "افشاگری‌های" بخشی از مطبوعات رژیم بر علیه دولت آلمان بمثابة یکی از شیاطین و ارکان "استکبار جهانی"، واگذاری غیرمستقیم اداره امور حج به مقامات عربستان سعودی و در مقابل دعوت رسمی حکام عربستان از رفسنجانی برای بازدید از آن - کشور، نظاهرات و حملات موتورسواران حزب الهی به زنان و مردان "بی حجاب" و مغازه‌های متخلف در این زمینه‌ها، و غیرقانونی نامیدن این نظاهرات از جانب ناطق نوری وزیر کشور، تعلیق حملات مقرر به عراق در جبهه‌های جنگ، انفجار بمب در میدان راه‌آهن از جانب عوام‌مل وابسته به جناح‌های حاکم و... نموده‌اش از تشدید تضادهای درون رژیم و به مرحله آنتاگونیستی رسیدن آنها می‌باشند.

بهر حال بروز شکاف‌های جدید درون هیئت حاکمه، خاصه پس از انتخابات قلابی مجلس شورای اسلامی حکایت از وضعیت جدیدی میکنند. وضعیتی که در آن خمینو نیز دیگر قادر نیست با اندرزهای "امامانه" شکاف‌ها را درز بگیرد. عدم رأی اعتماد مجلس به پنج تن از وزرای کابینه موسوی، که همه از وزرای قدیمی بوده و وزارتخانه‌های مهمی چون وزارت صنایع، دفاع، آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی و بهداشتی را تحت کنترل خود داشتند، نشان میدهد که اپوزیسیون جدید

مجلس خواهان پیشرویهای با زهــم بیشتری است. پیشرویهای این جناح خود نتیجه شکست عملی جناح موسوم به "خط امام" است. جامعه پس از گذشت پنج سال از قیام، خواهان حداقل هائی است که جناح "خط امام" با شعارهای با اصطلاح "انقلابی" و عوامفریبانه خود نتوانسته است به آن پاسخ گوید، از اینرو سیستم را در خطر سقوط کامل قرار داده است. اپوزیسیون جدیدی، علیرغم دگرگون شدن چهره ها، ادامه منطقی همان خط بورژوازی غیرتجاری و غیرسنتی است. یعنی همان "جناح دوراندیش" رژیم جمهوری اسلامی که ابتدا خود را در تشکل "نهضت آزادی" به رهبری بازرگانها معرفی نمود. این جناح طی وقایع مربوط به اشغال سفارت آمریکا که به ابتکار جناح واپسگرا و ارتجاعی با اصطلاح خرده بورژوازی سنتی و بسا رهبری افرادی چون خوشینی ها انجام گرفته بود، عقب نشینی نمود. پس از آن، بنی صدر، پرچم به زمین افتاده "بورژوازی لیبرال" را بلند کرد. اما عمر دومین تلاش "بورژوازی لیبرال" برای بازسازی و گسترش مناسبات پیشرفته سرمایه داری در ایران در مقابل جناح بورژوازی تجاری و خرده بورژوازی سنتی چندان بطول نینجا میبــد. بنی صدر درست در اوج قدرت گیری جناح "بورژوازی لیبرال" و وحشت جناح مقابل از این قدرت گیری، با دخالت مستقیم خمینی که موجودیت و منافع قشری خود را نیز مفاویر با حرکت "بورژوازی لیبرال" میدید، از قدرت ساقط شد.

بعد از مدتی، سیاستها و نقطه نظرات اقتصادی بورژوازی غیرتجاری اگرچه با تفاوت هائی، از طریق جریان بنام "جنتیه" خود را نمایان ساخت، اما این جناح نیز نتوانست از پس "خط امام" برآید و با فشارهای زیاد آن، عقب نشست پس از سومین شکست این خط درون-

حاکمیت، بار دیگر بازرگان کوشید تا با استفاده از امکانات مجلس و "نهضت آزادی"، با برگزینی جلساتی در دفتر "نهضت آزادی" برای دومین دور انتخابات مجلس اسلامی، زنده بودن این خط فکری را به مدافعان داخلی و بین المللی خود اطلاع دهد که مجدداً با عکس العمل شدید جناح مقابل روبرو شده و تنی چند از عناصر این خط در مجلس بدست فالانژهای جناح دیگر کشتک خورده اند و دفتر نهضت آزادی توسط چماق داران حزب جمهوری اسلامی درهم ریخته شد، و نهضت آزادی - انتخابات را تحریم کرد.

اما چهارمین حرکت این خط زمانی آغاز میشود که شکست سیاستهای جناح دیگر رژیم و درماندگی آن حتی برای خود خمینی روشن گردیده است. این بار این خط فکری، یعنی جناحی که خواهان بازسازی و تداوم حرکت سیستم سرمایه داری وابسته در چارچوب منطق و سیاست بورژوازی پیشرفته است تا بتواند به نیازهای داخلی و بین المللی سرمایه داری پاسخ گوید و امپریالیستها را نیز خاطر جمع نماید، پس از انتخابات اخیر مجلس در ائتلافی جدید و با نمایندگان فکری جدیدی خود را نشان داده است.

اهمیت شدت گیری تضادهای دورن رژیم و شکل گیری اپوزیسیون فعلی در این است که بخشی از ارتجاع با زهم تلاش دارد با تکیه بر بحران اقتصادی جامعه، ناراضیاتی روزافزون توده ها، محاسبات و فلاکت های ناشی از تداوم جنگ خانمانسوز، ترور و خفقان طاقت فرسای موجود، شکست سیاستهای رژیم در عرصه داخلی و بین المللی، چشمانداز نزدیک تر مرگ خمینی و بوجود آمدن خلاء رهبری ناشی از آن، و... خود را بصورت آلترناتیوی قابل پذیرش و عملی مطرح نماید.

بنظر میرسد این آلترناتیو در نظر بسیاری از امپریالیستها

پذیرفتنی تر و عملی تر از جریاناتی نظیر سلطنت طلبان و یا "شورای ملی مقاومت" جلوه کرده است. حتی عده ای از عناصر مطرود رژیم نظیر بنی صدر و مدنی نیز پی به این امر برده و چشم امیدشان را به پیروزی "خط معتدل و منطقی" در مقابل "افراطیون" دوخته اند و با نامه پراکنی های زیبوانه خود، آمادگی خود را برای همکاری با ارتجاع حاکم اعلام نموده اند مشروط بر اینکه خمینی تکلیف "خط افراطی" و مقامات نالایق را بکسره کند و برای حفظ "ایران" و "اسلام" با یک سری رفرمهای بورژوازی موافقت نماید در این میان سازمان مجاهدین که خود را تنها "جانشین برحق" رژیم جمهوری اسلامی میدانند، ضمن حمله کینه توزانه به نیروهای انقلابی، به تلاش های خود در جهت اثبات اینکه آنان لایق تر و مناسب تر از سایر آلترناتیوها (جناح "معتدل" رژیم فعلی + عناصری چون مدنی و بنی صدر و یا سلطنت طلبان) هستند، افزوده اند. البته مجاهدین برای موفقیت در اثبات شایستگی و بی خطری خود و جلب نظر حداقل جناحهای دوراندیش امپریالیسم، بدرستی واقف هستند که با پیگیری میزان حملات و مرزبندی های خود با کمونیست ها و نیروهای چپ انقلابی نیز بیغز اینند. بیهوده نیست که در این عرصه رقابت ها و جلب عنایت ها از جانب امپریالیسم، مجاهدین همراه با ردیف کردن مدالهای پیروزی خود یعنی لیست پیاپی حمایت آمیز از کندی ها و هارت ها و مورتیمرها به شدت و غلظت حملات خود علیه کمونیستها افزوده اند و به قول معروف پیش گرفته اند که پس نیفتند! این تحولات و چشمانداز اوج گیری بحران سیاسی و اجتماعی - در ایران، سنگینی وظائف و مسئولیت های نیروهای چپ را آشکارتر میسازد. چپ نمیتواند منتظر حوادث بماند تا

بقیه در صفحه ۲۴

گذاشته است. از جمله بر طبق قرارداد دسامبر ۱۹۸۲ بین جمهوری اسلامی و این کشور، تانکو هواپیما های جنگی در اختیار رژیم ایران قرار گرفته و عراق نیز تاکنون بیش از ۱ میلیارد دلار تسلیحات نظامی از چین دریافت کرده است.

ملاقات مقامات ایرانی و اسرائیلی

بنا به گزارش خبرگزاری های بین المللی، دولت سوئیس اعلام داشت که بعنوان نماینده منافع جمهوری اسلامی در اسرائیل مقدمات مذاکرات دیپلماتیک دو کشور را فراهم کرده تا آنها درباره یک قرارداد معوقه مذاکره کنند. بر طبق این گزارش دو ملاقاتی که در سال ۱۹۸۱ بین نمایندگان رژیم ایران و دلالان اسلحه اسرائیل در سفارت سوئیس در پاریس انجام شد، طرفین در مورد فروش اسلحه و لوازم یدکی هواپیما های نظامی به ایران به توافق رسیدند. یک سخنگوی وزارت امور خارجه در این زمینه گفت دولت سوئیس نماینده جمهوری اسلامی در اسرائیل بوده و به همین دلیل اجازه داد که دیپلماتهای ایران و اسرائیل در روزهای هشتم و نهم مه ۱۹۸۱ در آپارتمان متعلق به یکی از کارکنان سفارت سوئیس در پاریس با هم ملاقات کنند. در این ملاقات طرفین در مورد فروش اسلحه به رژیم جمهوری اسلامی به توافق رسیدند.

تجلیل مصر

از جمهوری اسلامی

حسنی مبارک، رئیس جمهور مصر اخیراً طی سخنانی در پارلمان مصر اعلام داشت: "جمهوری اسلامی یک کشور برادر و متحد طبیعی اعراب و مسلمانان است." وی گفت: "جمهوری اسلامی برادران وی بوده و تلاش مینمایند که جنگ خلیج فارس را متوقف نمایند. اخیراً دولت مصر سعی دارد که نزدیکی بیشتری را با رژیم جمهوری اسلامی داشته باشد، بعنوان مثال در جریان مین گذاری دریای سرخ که اکثر کشورهای امپریالیستی مسبب اصلی را ایران و لیبی قلمداد میکردند، حسنی مبارک مطلقاً نام ایران را نیاورد و مسبب اصلی را لیبی معرفی نمود.

مبارزه با منکرات!

شیراز - اوایل خرداد ۶۳ - طرح "مبارزه با منکرات" در شهر شیراز برای آزمایش به مرحله اجرا درآمد. در پی این امر زنان بی حجاب شهر مورد تهاجم قرار گرفته و بوسیله زنجیر و قمه مورد ضرب و شتم قرار میگیرند.

مرحله مبارزه آشکارا خواهند کشید و افواج رژیم مدام و خیم تر خواهند شد. به این چشم انداز است که امروزه کلیه مخالفین رژیم اسم از نیروهای انقلابی و فداانقلابی فعالیت خود را علیه رژیم تشدید کرده اند. دارو دسته های سر جمع سلطنت طلب که در ارتش و دیگر ارگانها و نهادهای سرکوب و بوروکراتیک رژیم دارای نفوذ هستند و در میان افشار مرغه جامعه پایگاه دارند و از حمایت و پشتیبانی همه جانبه امپریالیستهای بویژه امپریالیسم آمریکا برخوردارند تلاشهای تبلیغاتی خود را در سطح وسیعتری گسترش داده اند. هر چند که ماهیت ارتجاعی و ضد خلقی این دارو دسته ها بر بخش مهمی از توده های مردم ایران روشن است. با این وجود در برابر اعمال سیاستهای بقای ارتجاعی و فاشا ریش از حد رژیم جمهوری اسلامی بر توده ها نباید خطر آنها را دست کم گرفت بلکه باید مداوماً علیه آنها مبارزه کرد. "شورای ملی مقاومت" نیز در تلاش است که خود را مستجاب به یک آلترناتیو قابل اعتماد توده ها جلوه دهد. اما حقیقت امر این است که نفوذ و اعتبار اینان در میان مردم مدام در حال کاهش یافتن است. خروج سنی همدراز "شورای ملی مقاومت" خود نشان دهنده وضعیت بحرانی آنها و فروپاشی "شوراست. اینان نمی توانند در میان توده مردم اعتباری بنی کسب کنند چرا که طی سه سال گذشته مدام با هتاهت اهداف، شکست و سرنام آنها برای توده ها روشن شده است. توده های مردم به تجربه دریافته اند که "شورای ملی مقاومت" نیز فاقد ریشیت تفهیری اساسی در وضعیت جامعه پدید آورد. سیاست رهبران مجاهدین خلق در زد و بند و سازش با سرمایه داران، نزدیکی روز افزون بدول امپریالیست اروپای غربی و مرتجعین منطقه ما و سرمایه ها، وعده های پوچ و توغالی سرنگونی چند ماهه رژیم به توده ها، همه و همه منجر به بی اعتمادی توده ها نسبت به "شورای ملی مقاومت" شده است. بهر آنی آنها چه حرفی برای گفتن به توده های مردم دارند. وقتیکه خواستار حفظ و بقای نظم موجودند و وقتیکه از منافع سرمایه داران دفاع می کنند و خواستار حفظ ارتش و دیگر ارگانهای سرکوب هستند، وقتیکه خواستار حفظ حکومت مذهبی هستند. دموای آنها با جمهوری اسلامی عمینی یک دموای خانوادگی است. نه سلطنت طلبان و نه "شورای ملی مقاومت" هیچ یک نمی توانند تفهیری اساسی در جامعه پدید آورند و نه درخواستهای انقلابی و دمکراتیک توده ها پاسخ گویند. چرا که آنها مدافع منافع طبقه سرمایه دار هستند. تنها و تنها طبقه کارگر ایران می تواند نجات بخش توده های مردم از وضعیت فلاکتی را موجود باشد. تنها طبقه کارگر قادر است عموم توده های مردم را رهبری کند. به در خواستهای انقلابی و دمکراتیک عموم توده ها جامعه عمل پوشد و دمکراسی، رفاه و خوشبختی را بارمان آورد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران یگانه سازمانی است که پیگیرانه از آلترناتیو کارگری در برابر کلیه آلترناتیوهای غیر کارگری دفاع نموده و رادیکال ترین و انقلابی ترین برنامه تحولات اجتماعی و سیاسی را ارائه داده است. سازمان ما که از منافع طبقه کارگر ایران دفاع می کند و اساساً در جهت برانداختن نظام سرمایه داری، محور گونه استثمار و استعمار و سرمایه داری می کند هدف فوری خود را سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق یعنی آنگنان تحولات انقلابی و دمکراتیک قرار داده است که قادر است پاسخگویی در خواستهای انقلابی-دمکراتیک و رفاهی عموم توده های مردم باشد. در حالیکه مدعیان دروغین دمکراسی، تنها برای جلب حمایت توده ها از دمکراسی و آزادی سخن میگویند و هیچگونه استفاده ای به دمکراسی ندارند سازمان ما خواهان ایجاد یک رژیم حقیقتاً دمکراتیک است. اگر دمکراسی حکومت خلق معنا می دهد و اگر خلق را کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری تشکیل می دهند ما خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری فوری حکومت کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان ایرانیم. اگر مدعیان دروغین دمکراسی از شوراها ستایه ارگانهای اقتدار توده ای و حشد دارند، ما پیگیر ترین مدافع شورا های انقلابی و اعمال حاکمیت توده ها از طریق شوراها هستیم. اگر مدافعین دروغین دمکراسی از تبلیغ عمومی خلق و ایجاد ارتش توده ای بر خود می نهند و تجربه نشان داد که رژیم عمینی نخستین گام را در جهت از بین بردن هرگونه آزادی و دمکراسی خلق سلاج توده ها قرار داد، ما از در هم شکستن کلیه ارگانها و نهادهای سرکوب رژیم، ایجاد ارتش توده ای و تبلیغ عمومی خلق دفاع می کنیم. اگر آلترناتیوهای غیر کارگری هیچگونه برنامه ای برای رفاه اجتماعی توده ها ندارند، ما روشن ترین و هر چه ترین برنامه را در این زمینه ارائه داده ایم. ما از مدتها پیش به توده های مردم توضیح داده ایم که آلترناتیوهای غیر کارگری هیچ تفهیر اساسی در وضعیت پدید نخواهند آورد تنها آلترناتیو کارگری یعنی برقراری فوری جمهوری دمکراتیک خلق می تواند تفهیری اساسی در وضعیت جامعه پدید آورد. بر همین مبناست که همه روزه بخش های وسیع تری از توده های مردم به سوی ما جلب می شوند و پی می برند که ما باید قدرت سیاسی در دست توده های مردم برهبری طبقه کارگر قرار گیرد و با هر تحول که در ایران صورت گیرد ما هم تمام معاشی که رژیم جمهوری اسلامی مبار آورده است، در ابعاد بزرگتری تکرار خواهد شد. پس بی جهت نیست که امروزه از همه دودشنان طبقه کارگر و توده های زحمتکش به مبارزه آشکارا ما فراخته اند. رژیم جمهوری اسلامی پیروسی می ران برای غریبه وارد آوردن به سازمان اغتشاشی داده است. سلطنت طلبان تبلیغات وسیعی را علیه ما سازمان داده اند. "شورای ملی مقاومت" نیز از هیچ تلاشی فروگذار نیست. مجاهدین خلق که زمانی ادعای دوستی با سازمان ما را داشتند، امروز که با یوز وازی سازش کرده اند و خط مشی انقلابی سازمان را مانعی بر سر راه اهداف ما از شکارانه خود می بینند، دشمنی آشکارا نموده اند. آنها تنها به تبلیغ علیه سازمان ما اکتفا نکرده اند بلکه به شکل بسیار کودکانه ای کوشیدند یک سازمان چریکهای فدایی خلق ایران هوادار "شورای ملی مقاومت" درست کنند که شوطه آنها با شکست مفتعانه ای روبرو شد. آنها کوچکتر از آن هستند که بتوانند علیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که مظهر آگاه و وجدان بیدار طبقه کارگر ایران است دست به توطئه بزنند.

خلاصه کلام: تمامی تلاشهای مذبحانه مدافعین نظم ستیزانه سرمایه داری علیه سازمان خود نشان دهنده رعب و هراس دشمنان طبقه کارگر از قدرت گیری و نفوذ و اعتبار آلترناتیو کارگری است. این واقعیت نقش و اهمیت سازمان را در جنبش و وفا فشی را که در برابر آن قرار گرفته است نشان می دهد. ما باید بیش از گذشته بر تلاشهای خود برای سازماندهی و رهبری طبقه کارگر در مبارزه تلاش کنیم. برداشته فعالیتهای تبلیغی خود در میان توده ها با افزایش برای کسب پیروزیهای هر چه

گسترش روابط با قسما دی با

آلمان فدرال

مازاد تجارت آلمان فدرال و ایران در سال ۱۹۸۳، ۶/۱ میلیارد دلار بوده است. از این جنبه، دیدار ۲۱ روزه هانس دیتریش گنشر، وزیر امور خارجه آلمان از ایران که از روز ۲۵ ژوئیه شروع شده، حائز اهمیت است. مسلما مباحث سیاسی نیز بین طرفین صورت خواهد گرفت. پس از سقوط شاه، این اولین مقام غربی بلند پایه است که از مقامات جمهوری اسلامی دیدار میکند. آلمان میخواهد در جنگ ایران و عراق کاملاً بی طرف باشد. با اینکه وزیر امور خارجه عراق نیز در هفته آینده به آلمان خواهد رفت، آلمان قصد میانجیگری بین طرفین جنگ را ندارد. واردات آلمان از ایران تقریباً صفر است (مقدار کمی نفت)، در حالیکه واردات ایران از آلمان در چند سال گذشته دوماً افزایش یافته است. واردات ایران از آلمان در سال ۸۳، حدود ۷/۷ میلیارد دلار بود و در ۵ ماه اول سال ۸۴ نسبت به همین مدت در سال گذشته، ۱۷٪ افزایش یافت. عمده واردات ایران از آلمان شامل ابزار ماشین و خودروهای مفید است که ظاهراً برای تجهیزات جنگی ایران استفاده میشوند.

"دیوانگان خدا"

زنان را اذیت میکنند

در هفته گذشته تعدادی تظاهرات کننده چندین زن را بدلیل نداشتن "حجاب اسلامی" شدیداً مورد آزار و اذیت قرار دادند. تظاهرات کنندگان یعنی حزب الهی ها (دیوانگان خدا) با موتور و ماشین در خیابانهای شمال شهر میگشتند و شعار "مرگ بر بی حجاب" سر داده بودند. آنها به عابریین و بعضاً به مردانی که آستین هایشان لخت بود، حمله کردند. نیروهای انتظامی نیز هیچگونه مداخله ای نکردند. در روز شنبه ۲۱ ژوئیه

بهشتر قدرت روز افزون شریعت امروزی خود را اساساً به سازماندهی و آگاهیه کارگران اختصاص میدهد. قدرت مادر شکل و آگاهی کارگران نهفته است.

کارگران آگاه به منافع طبقاتی خود و کلیه فعالین سازمان باید در کلیه مراکز کارگری و میزبانی کارگران صنعتی و رشته های که دارای اهمیت استراتژیک هستند بنحو روز افزونی دامنه فعالیت خود را بسط دهند و هسته های سرخ کارگری را گسترش دهند. باید کارخانه ها را به دژهای غیرقابل نفوذ کارگران تبدیل کنیم. علاوه بر هسته های سرخ که صرفاً از میان کارگران مارکسیست-لنینیست هوادار سازمان تشکیل می گردند باید در جهت ایجاد شکل های نوین کارگری بویژه کمیته های کارخانه تلاش نمود. رژیم از هیچ اقدامی برای از هم پاشیدن شکل های نوین کارگری فروگذار نکرده است. ما باید در هر کارخانه و هر رشته صنعتی کارگران مبارزی را که خواهان مبارزه علیه رژیم اند صرف نظر از اینکه هوادار کدام جریان انقلابی باشند با اعتقادات آنها جهت در کمیته های کارخانه که امروزه ضرورت مطلق است سازماندهی کنیم. مبارزات روزمره کارگران را سازماندهی و رهبری نسازیم و به تبلیغ ایده اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه در میان کارگران بپردازیم.

در خارج از محیط کارخانه و در مناطق و مراکز غیر کارگری باید با ایجاد هسته های مصلحی مقاومت مبارزه علیه رژیم را سازماندهی کرد.

کلیه رفقای هوادار سازمان موظفند بر اساس رهنمودهای فوق الذکر به فعالیت خود در میان کارگران ادامه دهند و چنانچه امکان ارتباط آنها در داخل میسر نباشد، برای برقراری ارتباط، بدون بر جای گذاردن کوچکترین رد امنیتی با آدرس زیر:

B.P. 175

1050 BRUXELLES 5

BELGIQUE

آن دسته از سربازان و پرسنل انقلابی ارتش هوادار سازمان که ارتباط آنها با سازمان قطع شده است، با خاکنویس نشانی شده اند با سازمان ارتباط برقرار کنند. هر چه فوراً کارگزاران آنها کاملاً مطمئن بویژه از طریق دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور، با آدرس فوق الذکر با سازمان تماس بگیرند و از برقراری هرگونه ارتباط با افراد و مناسباتی که احتمال دستگیری آنها وجود دارد، با ارتباط با سازمانهای دیگر مطلقاً خودداری کنند.

رفقا! فعالین سازمان! وظایفی که امروز بر عهده سازمان ما قرار گرفته است، مسئله ادامه کاری تشکیلات و پیاداری ما در مبارزه بصورت یک مسئله درجه اول در آورده است. رژیم تلاش خود را علیه سازمان ما بکار گرفته است و میگوید از کوچکترین نقطه ضعف و سبیل انگاری ما استفاده کند و ضربات خود را بر ما وارد آورد. تضمین ادامه کاری و پیاداری ما در مبارزه مستلزم برقراری دپسینا کبده جدی و رعایت دقیق ضوابط امنیتی است. سازمان ما باید سازمانی منضبط و انضباطی بگیرد. باید پنهان کاری شدید و گزین کردن دقیق رفقای که با ما کار می کنند لازمه مبارزه در شرایط کنونی است. رژیم به شیوه های متعدد برای ضربه وارد آوردن به تشکیلات متوسل میشود که با هوشیاری می توان این تلاشهای مذمومانه را نقش بر آب کرد. امروزه تعقیب و مراقبت های طولانی مدت بصورت یک شیوه های متداول رژیم در آمده است. اکنون رژیم به جز در مورد آن دسته از رفقای که دستگیری آنها برای او دارای اهمیت جدی است، چندان عملی برای برای دستگیری یک رفیق تشکیلاتی، نشان نمیدهد بلکه سعی میکند تا از طریق تعقیب و مراقبت دقیق شناخته شده بویژه از طریق ردیابی ماشین و تلفن به رفقای دیگر و بخشهای دیگر تشکیلات دست یابد و یک بخش از تشکیلات را به دام اندازد. رژیم برای شناسایی رفقای تشکیلات از شیوه های مختلف استفاده میکند مثلاً سعی میکند فردی را که در زیر شکنجه از خود ضعف نشان داده است مرتباً به برقرار رفقای تشکیلات بفراستد بدون اینکه بلافاصله اقدام به دستگیری کند، بلکه یک رشته تعقیب و مراقبت را آغاز می کند تا به تعداد بیشتری دست یابد. یک شیوه دیگر استفاده از برخی افراد مستقیم کبوش برقی است. رژیم فردی را که کاملاً می شناسد و هر لحظه امکان دستگیری وی را دارد بحال خود رها نمی کند و هر بار به دژ دستگیری او تعدادی را شناسایی و دستگیر می کند.

در آذرماه سال گذشته، رفقای از بخش محلات و سازماندهی هسته های مقاومت شهران و تحریریه نشریه کار دستگیر و به شهادت رسیدند. پس از تحقیق و بررسی مسئله روشن شد که رژیم از طریق شخصی بنام بایک در بخش محلات و کمیته سازماندهی هسته ها مقاومت دست به تعقیب و مراقبت زده است که طی آن چند رفیق دستگیر و به شهادت رسیدند. اما پلیس از دستگیری شخص شناخته شده خودداری کرد و برای شکارهای بعدی خود فرد مذکور را ظاهراً بایک بار جوشی چند دقیقه ای آزاد کرد. هر چند این فرد در همان مقطع به مناطق آزاد شده کردستان فراخوانده شد و پس از خودداری وی که معنایی جز ضربات بیشتر به سازمان در بر نداشت، به عنوان مسبب ضربات از سازمان اخراج گردید اما اطلاعات بعدی حاکی است که این فرد همچنان تلاش دارد با هواداران سازمان ارتباط برقرار کند. لذا چنانچه رفقای هوادار با چنین فردی برخورد کردند از هرگونه تماس با وی خودداری کنند و اطلاعات خود را در مورد وی فوراً در اختیار تشکیلات بگذارند.

علاوه بر موارد فوق رژیم تلاش میکند با استفاده از "توابین" بویژه با هواداران سازمان ارتباط برقرار کند. رفقای هوادار موظفند از برقرار کردن هرگونه ارتباط مگر با رفقای کاملاً مطمئن خودداری کنند و از گرفتن نشریه بجز از کارکنانهای رسمی و شناخته شده سازمان خودداری کنند و در نظر داشته باشند که نشریه ای که با نظر سازمان منتشر می شود عبارتند از: نشریه کارگران سراسری سازمان، نشریه ربگای گول نشریه شاخه کردستان، نشریه بامی استار نشریه هواداران سازمان در سیستان و بلوچستان و "جهان" نشریه هواداران سازمان در خارج از کشور. سوی نشریه فوق الذکر هیچ نشریه ای متعلق به سازمان و با هواداران آن نیست.

کلیه رفقای هوادار هرگونه موارد مشکوکی را در این مورد ملاحظه کردند بلافاصله اطلاعات خود را از طریق آدرس ذکر شده در اختیار سازمان قرار دهند.

در نظر گرفتن رهنمودهای امنیتی فوق به هیچ وجه نباید کوچکترین تأثیری بر فعالیت رفقا

حجت الاسلام علی اکبر ناطق نوری این تظاهرات غیرقانونی را محکوم کرد و اعلام کرد که "دستور داده شده است که متخلفین دستگیر شوند و به مقامات قضائی سپرده شوند. مسئولین مذهبی ایران معمولاً حجاب اسلامی را برای زنان از هر ملیتی و مذهبی کینه باشند، مطرح میکنند. حداقل چیزی که باید بعنوان حجاب داشته باشند یک روسری، یک پیشبند که خطوط بدن را بپوشاند، آستین های بلند و جورابهای بلند و پر رنگ است. در چند هفته گذشته واحدهای نظامی دیگری تحت عنوان "امر به معروف و نهی از منکر" ایجاد شده اند. هر یک از این واحدها شامل ۲ خودرو است که یکی از آنها حامل مردان مسلح و دیگری حامل زنان چادرست. با اینحال عدالت اسلامی در این زمینه تا حدودی تعدیل یافته است. سال گذشته رژیم تصمیم گرفته بود که زنانی را که به بی حجابی متهم میشوند، یک سال زندان کند و لایحه امسال بیشتر درصدد مرعوب کردن آنهاست و در مواقع دستگیری، بلافاصله بعد از ثبت کردن مشخصات، آنها را آزاد میکند.

اعدام مجاهدین

طبق اطلاعاتی که رجوی در روز ۲۲ ژوئیه در پاریس منتشر نموده است، حبیب خیبری، کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران و ۴۰ نفر دیگر از هواداران سازمان مجاهدین خلق در روز ۱۷ ژوئیه ۸۴ در تهران اعدام شده اند. رجوی اعلام کرده است که طبق اطلاعات واصله از ایران، این افراد در زندان اوین اعدام شده اند. طبق این اطلاعات، حبیب خیبری که ۲۹ سال داشت در اوت ۱۹۸۳ دستگیر شده بود و چندین بار تحت شکنجه قرار گرفته بود.

مبارزه با شعارنویسی

تیر ماه امسال، مزدوران رژیم در کارخانه ایران ناسیونال جهست ممانعت از شعارنویسی کارگران بر روی دیوارها و در دستشویی ها، درب تمام توالتها را تا نیمه بریدند.

داشته باحدویا منجر به روحیه محافظه کارانه گردد. رژیم سعی می کند که با توانا جلوه دادن خود در سرکوب نیروهای انقلابی چنین القاء کند که گویا قادر است در فعالیت نیروهای انقلابی وقفه ای ایجاد کند درحالی که فعالیت مستمر سازمان در داخل کشور پیچ بودن چنین تئوریهایی را اثبات می کند رعایت موازین امنیتی فوق دقیقاً در خدمت ادامه کاری تشکیلات ما و مبارزه سرکشان علیه رژیم است. رفقای سازمان! اعلی ترین و اساسی ترین شرط پایداری و ادامه کاری سازمان ما در مبارزه استواری روز افزون ما در میان کارگران است. باید پیش از پیش تشکیلات خود را در میان کارگران مستحکم کنیم. باید در شرایط پیگرد های گسترده پلیسی دیپلیم تشکیلاتی ما تا سرحد دیپلیم نظامی سخت و جدی باشد. باید پنهان کاری را اکیداً رعایت کرد. باید هوشیاری خود را در هر لحظه حفظ کنید. هر گونه ارتباط اغایی، تمامی های زائد و تشکیلاتی و ارتباط غیر ضروری با بخشهای دیگر تشکیلات را مطلقاً قطع کنید! از اجرای مداوم قرار سیزده در میان شهرها و غیاب با نیایی که مورد رفت و آمد مداوم مزدوران رژیم است خودداری کنید! پیش از اجرای هر قرار و پس از اتمام قرار خود را دقیقاً چک کنید. هر سهل انگاری میتواند صربانی چیران نا پذیر به تشکیلات ما وارد آورد.

کارگران! اعضاء و هواداران سازمان! مشکلی که امروز سازمان برای پیشبرد وظائف خود با آن روبروست مشکل مالی است. همگان مطلعند که تشکیلات منیع مالی سازمان کمکهای مالی اعضاء و هواداران سازمان بوده هاست. ایندولوی و اهداف مقام سازمان ما مانع از آن می گردد که چیزی انکار. به خود و پشتیبانی و حمایت توده های مردم قدمی برداریم. بر همین مبناست که سازمان ما توانسته است خط منی انقلابی خود را پیگیرانه ادامه دهد. از منافع کارگران و رزمنگان دفاع کند و استقلال ایندولویک سیاسی و تشکیلاتی خود را حفظ کند. امروز که از یکسو شرایط سرکوب و اعتدالی هزینه های هنگفت تری را برای بقاء گادری تشکیلات و ادامه کاری فعالیت سازمان به ما تحمیل نموده است و با با هر پرورش رژیم و با هر احتمال ضربه بخش عظیمی از امکانات مالی و تدارکاتی سازمان از دست میرود و از سوی دیگر بطور روز افزونی نیروهای وسیعتری بسوی سازمان گرایش پیدا می کنند و ضرورت سازماندهی آنها هزینه های بازم بیشتر را می طلبد. سازمان شایسته در مضیقه مالی قرار گرفته است هیچ تردیدی نیست که این مشکل سازمان نیز تنها و تنها با انکار، به توده ها قابل حل است. ما از کلیه کارگران و رزمنگان اعضاء و هواداران سازمان می خواهیم که با کمکهای مالی خود سازمان را یاری رسانند. کلیه اعضاء و هواداران سازمان و در هر کجا هستند باید بتوان و انرژی خود را برای رفع هر چه فوری تر این مشکل سازمان بکار گیرند. از هر امکانش که در اختیار دارند برای این منظور استفاده کنند. از هر کانی که می شناسند برای گرفتن کمکهای مالی از کارگران و رزمنگان اقدام کنند. بخش بیشتری از دستمزد و حقوق خود را به عنوان کمک به سازمان اختصاص دهند. هواداران سازمان کمکهای خود را در داخل از کانالهای تشکیلاتی و چنانچه کانال تشکیلاتی نداشته باشند از طریق دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور به آدرس بانکی

A.A.H
739066P
CREDIT LYONNAIS
134 Bd VOLTAIRE
75011 PARIS
FRANCE

واریز کنند و رسید آنرا به آدرس زیر ارسال دارند.

A.C.P
B.P. 54
75261 PARIS CEDEX 06
FRANCE

رفقا! مشکل مالی سازمان یک امر جدی است با تمام توان برای حل این مشکل اقدام کنید. هیچ تردیدی نیست که ما قادریم در کلیه مرصه ها موانع را از پیش پای خود برداریم و وظائف انقلابی خود را در جنبش ایفا نمائیم.

سرتگون با در رژیم جمهوری اسلامی - برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق
تا بود با امیر با لیم جیانی به سرکردگی امیر با لیم آمریکا و با پگاه داغلیش
مرگ سر نظام سرمایه داری - زنده باد سوسیالیسم
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۳۶۲/۲/۲۵

www.adabestanekave.com

بازتکثیرار:

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کمیته غار رج از کشور



در مجلس شورای اسلامی چه میگذرد؟

هنوز چند صباحی از افتتاح دوره دوم مجلس شورای اسلامی نمی گذرد که اختلاف نظرهای دیرین خود را با ابعاد گسترده تری بروز داده است و این در حالی است که خمینی در پیام مفصل خود به مجلس تاکید بسیار کرده بود که نمایندگان باید از اختلاف نظرها و کشمکش ها دست بردارند! ولی تضادهای آنچنان حاد است که حتی نمایندگان مجلس نیز به سخنان رهبرشان وقعی نمیگذارند. شیخ محمد یزدی، نماینده تهران در این زمینه در مجلس میگوید: "در واقع اختلاف نظرها باز در محور اسلام و مسائل اسلامی خواهد بود و به هرحال، مجلس کنونی، با هر نوع طرز فکر، مسائلی را در پیش دارد که نمیتواند در برابر آنها بی تفاوت باشد. مسئله تورم و ریشه آن مسئله ای نیست که بخاطر اختلافات اصولی بتوان از آن گذشت و نسبت به آن بی تفاوت بود. مسئله تورم، مسئله ای نیست که از کنارش بگذریم. وجود دو بازار در مملکت، یک بازار آزاد و یک بازار دولتی، چیزی نیست که صحیح باشد و بتوان دوام بیاورد. این بیماری است که باید هرچه زودتر اصلاح و درمان شود. مسائل بسیاری نظیر کشاورزی و مسکن، مسائل مورد ابتلای کشور هستند که به بهانه اختلاف سلیقه و نظر، نمیتوان از کنار آنها گذشت. شیخ یزدی سپس ادامه میدهد: "لازم است که دولت از این دایره محدود فکری برای معرفی اشخاص درآید. سپس نماینده ماهشهر در این زمینه میگوید: "تورم و گرانی که هر روز بیشتر از روز قبل گلوی قشر مستضعف جامعه را می فشارد و کسارد را به گلوی مردم محروم و کم درآمد مارسانیده و انقلاب را از درون ضربه میزند، با شعار و مصاحبه و نطق قبل از دستور درمان نخواهد شد. وی سپس ادامه میدهد: "تبعیض و

کاغذ بازی و سرگردانی و از ایسن اداره به آن اداره دواندن ها و امروز و فردا کردن ها، ملت رنجیده ما را به ستوه آورده که یقیناً وزرات خانه ها و ادارات کشور با ایسن بافتی که دارند هر روز صدها نفر از مردم دردمند را از انقلاب و اسلام مبرنجانند."

بدینگونه نمایندگان رژیم خود اعتراف میکنند که مردم از هر چه جمهوری اسلامی و اسلام است، بیزار شده اند. آنها همچنین اعتراف میکنند که جمهوری اسلامی قادر به پاسخگویی به هیچ یک از خواسته های مردم زحمتکش جامعه، نیست و اوضاع فلاکت بار اقتصادی، اجتماعی هر روز بدتر و بدتر میشود. به دنبال سخنان نماینده ماهشهر توجه کنید: "منعت فروش و قاچاقی را با سیاستهای غلط از این کشور ریشه کن کردند و نه به مردمی که از این راه امرار معاش میکردند رحم کردند و نه به راهی که از این طریق وارد کشور میشد و متأسفانه سمینارها و مصاحبه ها و وعده های مسئولین ذیربط هم هیچگونه نتیجه ای در این مورد نبخشید. کشاورزی هم در آینده نزدیک به همین سرنوشت دچار خواهد شد." (تاکیدها از ماست). وی سپس میگوید: "آیا میدانید کم لطفی های مسئولان استان خوزستان موجب شد اموال دسترنج کشاورزانی که در گرمای طاقت فرسای خوزستان با هزاران رنج و امید بدست آورده بودند در برابر چشمانشان گندید و نابود شد؟ خودشان دیدند صدها هکتار گندمشان در اثر بی آبی، حتی علوفه برای گوسفندان شان نشد و دامهایشان از گرسنگی مردند و اکنون ساکنین روستاهای با اصطلاح زرخیز خوزستان در اثر سیاست با اصطلاح خودکفائی در آتش فقر میسوزند. مسئولین که هنوز نتوانسته اند با بازار سیاه آهن و سگار

و مدها چیز دیگر مبارزه کنند، با کمال شهامت میخواستند جلوی بازار سیاه دسترنج کشاورزان را بگیرند. گویا مظلوم تر از روستایان کسی را پیدا نکرده اند."

عباس رحیمی، نماینده مردم دشتستان نیز در این رابطه میگوید: "منطقه دشتستان و شهرستان بُراز - جان با بیش از ۲۰۰ هزار نفر جمعیت از بسیاری از امکانات اولیه محرومند. در گرمای بیش از ۵۰ درجه بسیاری از خانواده ها، علی الخصوص در روستاها، از داشتن پنکهای و یا چراغ برقی که آنها روشن کنند، محرومند. آب آشامیدنی بسیاری از روستاها از ذخیره آب آلوده باران است. خشکالی، تلف شدن دامها، بفروش نرسیدن محصول خرما، نبودن پزشک از عمده مشکلات آنان است."

دعوی امام زمانی!

شخصی بنام محمد قبادی، ستوان نیروی هوایی پوشان تپه که دپرسنلی خود را نیز در اعلامیه هایش می نویسد، ادعای امام زمانی کرده است. وی در سال ۵۲-۵۳ به جرم فعالیت های اسلامی دستگیر و اخراج میشود. سال ۵۶ به دلیل بیماری روانی، چند ماهی در بیمارستان بستری میشود و در سال ۵۷ دوباره به نیروی هوایی برمیگردد. تاکنون ۱۲ اعلامیه داده، او علیه خمینی چیزی نمیگوید و مدعی است که همه زمامداران باید زیر دست او کار کنند و در اثبات ادعای خود به نوشته های حوزه علمیه قم استناد میکند. اعلامیه های او در محافل خاصی پخش میشود. بین او و رئیس اداره سیاسی - عقیدتی بحث های زیادی صورت گرفته، انجمن اسلامی به دو دسته شده اند، عده ای از انجمن ها نزد رئیس اداره عقیدتی سیاسی رفته و پرسیده اند صرف کدامان را باور کنیم. ایشان گفتند حرف او را (یعنی امام زمان را) اما من از ترس از او حمایت نمیکنم.

مبارزه دلاوران مردم هشتگرد کرج

بعد هم به خانه‌ها ریخته، حدود ۲۵ الی ۳۰ نفر را بازداشت کردند. تا دو سه روز شهر وضع عادی نداشت و مینی بوسها کار نمی‌کردند. کم‌کم شهر به وضع عادی برگشت. به گفته مردم یکسری آزادیها به علی الهی‌ها داده شده است. یکی از علی الهی‌ها میگفت: "ما از با نمی‌نشیم هرچند یکبار این پاسدارها را برجایشان می‌نشانیم. اینبار انقلاب از هشتگرد آغاز خواهد شد و ما نیروی فراوان داریم که همه را وارد عمل نکردیم کافیت به شهرهای کردستان و کرمانشاه تلگراف بزنیم تا همه با قطار فتنک بیایند."

وضعیت جبهه‌ها

به گفته شخصی که از جبهه آمده بود، رژیم نیروی انسانی زیادی در جبهه جمع کرده است و اکنون دیگر حمله افراد از انتظار سر رفته. آنها منتظر حمله هستند. از نظر تغذیه خیلی خوب به افراد میرسند. از گوشت تا هندوانه، فراوان است. مشکل مارهای سمی و سگهای هار است. به گفته این شخصی سگهای هار تاکنون دو سرباز و یک افسر را پاره کرده‌اند تلاش زیادی برای از بین بردن سگها صورت گرفته است که نتیجه چندان نداشته.

صوفیها با برنامه قبلی و شناسایی پاسداران و حزب‌اللهی‌ها با چاقو و قمه و یک مورد اسلحه کرم وارد عمل میشوند. با ماشین، حتی تریلی، آنها را زیر می‌گرفتند. درگیری چندین ساعت طول کشید. ۲ تن از پاسداران کشته شدند و ۱۵ نفر زخمی شدند. یک نفر از مردم نیز کشته شد. در شهر شایع شده بود که از کردستان حدود ۱۰ هزار نفر مسلح به طرفداری از صوفیان خواهند آمد. تمام پاسداران و حزب‌اللهی‌ها پنهان شده بودند. بعضی‌ها در زیر زمین و بعضی‌ها در خانه اقوامشان، تعداد زیادی از پاسداران خلع سلاح شدند. به گفته یک شاهد عینی، یک زن ۳۰ ساله توانسته بود به پاسدار را - خلع سلاح کرده و سلاحها را پنهان سازد. شهر چندین ساعت در دست مردم بود و پاسدارها گم و گور شده بودند. تا اینکه از کرج نیروهای نظامی پاسداران، بسیجی‌ها و - شهربانی فرستاده میشوند و حکومت نظامی اعلام میشود و تجمع بیش از ۲ نفر موجب دستگیری میشود. همان شب امام جمعه را به جرم سخنرانی تحریک‌آمیز سال گذشته! و برآی آرام کردن اوضاع دستگیر کردند.

هشتگرد یکی از توابع کرج است که ۲۰ هزار نفر جمعیت فارس، ترک‌گرد و تعدادی جنگ‌زده جنوبی در آن زندگی میکنند. بین مردم شایع است که این بخش توسط ۸ گرد آباد شده است و در اصل نامش هشت‌گرد بوده است. روز پنجشنبه و جمعه، ۷ و ۸ تیرماه که مصادف با روز قدس است، عده‌ای از مردم هشتگرد که صوفی مسلک هستند، با برنامه قبلی بر علیه پاسداران به حرکت درمی‌آیند. جریان از این قرار است که سال گذشته همین روز امام جمعه هشتگرد در سخنرانی خود علیه صوفیهای منطقه که اغلب‌کرد هستند، میگوید: "اینها از کفار بدترند زیرا برای خدا شریک قائلند و اذیت و آزار اینان واجب و تعدی بر زنانشان حلال است." پس از این سخنرانی، حزب‌اللهی‌ها به مقبره (نور علی) که از پیشوایان صوفیان است، حمله می‌برند و آن را ویران میکنند. سپس به خانه‌ها ریخته و پس از آزار مردم، سبیل مرده‌ها را از ته می‌تراشند و در چند مورد هم به زنانشان تجاوز میکنند. مردم از ترس هیچگونه واکنشی نشان ندادند تا اینکه امسال در سالروز واقعه

هجوم روستائیان به تهران

یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در رابطه با مهاجرت روستائیان به شهرها گفت: "ما میخواهید بگوئید که ما جلوی هجوم دهاتی‌ها را به شهرهای بزرگ میخواهیم بگیریم هر روز ۲۰۰ خانوار به تهران کوچ میکنند، در حدود ۳۰ خانوار به قم کوچ میکنند. ما هر روز ده روستا را با دست‌خودمان منهدم میکنیم و از بین می‌بریم و باید فکری کرد، و اگر این وضع ادامه داشته باشد، بعد از چهار سال تهران ۱۵ میلیون جمعیت خواهد داشت."



پخش ضمیمه خبری کا ردر کارخانه پارس الکتریک

۱۴۰ عدد ضمیمه خبری کار ۱۸۱ و -

۱۴۰ اعلامیه در مورد برقراری جمهوری دمکراتیک در تاریخ ۱۴ تیر ماه مقابل کارخانه پارس الکتریک پخش شد. اول همه یک لحظه مات بودند، بعد تقریباً هر کس که یک ضمیمه برداشت، چند نفر دور او جمع شدند و با هم صحبت میکردند. بغلت شلوغی منطقه و خیابان و بودن تعداد زیادی کارگر، عابریان از کارگران میپرسیدند اینها چه و کارگران جواب میدادند اعلامیه سازمان چریک هاست. زن عابر ۳۰ ساله‌ای که بچه‌ای در بغل و پسر ده دوازده ساله‌ای در کنارش بود، یکی از ضمیمه‌ها را برداشت و پسرش شروع به خواندن کرد. هر چند نفرنسخه‌ای را به طلع دیگر خیابان برده و میخواندند. یکی از کارگران به دوستش گفت: "اگه خواستی بگو تا برات بپردازم تو سرویس" و کارگر دیگر جواب داد: "نه بابا پی دردر میگردی". هر دو کارگر حدود ۳۰ ساله به نظر میرسیدند. حدود یک ربع بعد، ۱۵ عدد ضمیمه روی زمین ماند. بعضی‌ها بر میداشتند نگاه میکردند و دوباره روی زمین می گذاشتند. زن‌ها و مرده‌هایی که سر و وضع مرتبی داشتند و شبیه کارمندان بودند، کمتر عکس العمل نشان میدادند. آخر وقت، نگهبان کارخانه باقی ضمیمه‌ها را جمع کرده، و به داخل کارخانه برد.

جنگ و مسئله صدور نفت

محمد غرضی، وزیر نفت جمهوری اسلامی طی مصاحبه‌ای گفت: "در جنگ خلیج فارس، جمهوری اسلامی همواره تصمیم گیرنده بوده و تاکنون یک روز هم گرفتار مشکلاتی برای صدور نفت خود نشده است." وی سپس میگوید: "دشمن با اصطلاح محاصره کردن جزیره خارک، نتوانسته است



مشکل برای تولید و صادرات نفت ایران ایجاد نماید و قادر نیست ترده در خلیج فارس را بخطر اندازد. قیمت انرژی‌های معادل نفت هم‌اکنون بین ۵۰ تا ۶۰ دلار - میباشد و اگر تنگه هرمز بسته شود، پس از یکی دو ماه که ذخائر نفت دنیا تمام شد، قیمت نفت هر بشکه به ۱۰۰ دلار خواهد رسید. آقای غرضی گویا فراموش کرده است که ماه گذشته صادرات نفت ایران از ۱/۸ میلیون بشکه در روز به ۱/۲ میلیون بشکه در روز رسید و ایران برای جلب مشتری برای نفت، هر بشکه نفت را ۲/۶ دلار ارزانتر از قیمت رسمی بفروش میرساند.

واقع‌بینی رژیم!

اخیراً هاشمی رفسنجانی، بطور غیرمستقیم به بن بست جنگ اشاره کرده و میگوید: "مطلب مهمی که لازم بود تذکر دهم این است که اگرچه ما نیرومندیم و ارتش عراق خیلی ضعیف است ولی این بدان معنی نیست که ما دیگر آسوده باشیم و فکر کنیم آنها هیچ توانی ندارند و تنها با یک حمله ساده میتوانیم بکلی آنها را از بین ببریم. چرا که دشمنان ما بسیارند و همواره برای توطئه‌ها و نقشه‌های دیگر مشغول طرح ریزی و برنامه‌ریزی میباشند و قطعاً عراق را تنها نمی‌گذارند، بلکه سیل

امکانات به سوی عراق سرازیر است، استحکامات بیشتر و موثرتری درست کرده‌اند. بنابراین ما نباید آنقدر خوشبین باشیم که تا یک حمله‌ای شروع کرده‌ایم، پس از چند ساعت در بغداد خواهیم بود!"

کاهش خرید نفت شوروی از ایران

در تاریخ ۲ ژوئیه، آمار تجارت خارجی شوروی منتشر شد. طبق این آمار، شوروی خرید نفت از ایران را کاهش داده است و در عوض به میزان واردات نفت خود از عراق و عربستان سعودی افزوده است. واردات نفت شوروی از عراق که در ۴ ماه اول سال ۸۳، ۵/۲ میلیون روبل بود، در ۴ ماه اول ۸۴ به ۱۲۵/۳ میلیون روبل رسیده است. طی همین مدت، میزان واردات نفت از عربستان سعودی که صفر بود، به ۸۷/۷ میلیون روبل رسیده است. درحالیکه واردات نفت از ایران از ۱۲۵/۷ میلیون روبل به ۷/۷ میلیون روبل کاهش یافته است. این آمار نشانگر تغییری در سیاست شوروی نسبت به کشورهای خلیج است که کاهش خرید نفت شوروی از ایران همزمان با سرکوب حزب توده صورت گرفته است در عوض صدور تسلیحات شوروی به عراق افزایش یافته است. با اینحال چندی قبل یک هیئت اقتصادی شوروی به تهران رفته است.

وضعیت ورزش زنان در جمهوری اسلامی

در حاشیه عدم شرکت ایران در
بازیهای المپیک!



(نقل از مجله اطلاعات هفتگی - سال ۱۳۳۳)

سرانجام المپیک ۱۹۸۴ لوس آنجلس به پایان رسید و بسیاری از ورزشکاران آمریکایی از فرصت غیبت ورزشکاران شوروی، آلمان شرقی، بلغارستان، مجارستان و کوبا و غیره استفاده کرده و بهر ترتیبی بود، مدالهای بیشماری را نصیب خود کردند و این فرصتی بدست سردمداران آمریکا داد که شکست المپیک لوس آنجلس را با هیاهوی بسیار پرده پوشانی کنند.

برگزاری بازیهای المپیک ۸۴ فرصتی بدست داد تا به وضعیت ورزش زنان در جمهوری سفیهان بپردازیم. در این میان تفسیر و تحلیل های جمهوری اسلامی سفیهان نیز از آغاز تا پایان المپیک بسیار جالب و شنیدنی بود. تفسیرگران جمهوری اسلامی در مورد مراسم افتتاح و اختتام المپیک اظهار داشتند میدانهای ورزش آمریکا از یک عده فاحشه هالیوودی پر شده بود و چنین اماکنی جای ما نیست. البته در نظر این کوتاه بینان و تاریک اندیشان با آن ایدئولوژی قرون وسطایی شان دختران ورزشکار ژیمناستیک و پیا

شنا و یا آن دهنده زن دوی ماراتون و مدها و هزاران تن از آنسان بحساب فاحشه گان و منحرفین می آیند، چرا که در یک پوشش سیاه مرگ آفرین خود را پنهان نکرده اند! اما نکته ای که تفسیرگران جمهوری اسلامی به آن اعتراف نمیکنند این است که حضور ورزشکاران جمهوری اسلامی در المپیک فرصتی بسودناک و نیروهای مبارز خارج از کشور با استفاده از آن به افشای رژیم بپردازند. گذشته از این، اعزام ورزشکاران زن در لباس ورزشی اسلامی، باعث آبروریزی رژیم میشد. سرنوشت ورزش و ورزشکاران نیز در جمهوری سفیهان مانند هر پدیده دیگر در این رژیم جهل و خرافات،

ما بیعت اینک اعلام کردیم مسابقات باید در محیطی جدا از محیط برادرها برگزار شود و کلاً تماشاچی ها، داور و مربی ها هم از خود خواهران انتخاب شوند. در این زمینه هنوز به نتیجه قطعی نرسیده ایم.

براستی که این سخنان احتیاج به هیچگونه تفسیر و تحلیلی ندارد. عقب ماندگی تاریخی و ارتجاع محض سراپای آنها فرا گرفته است و با هیچ معیار و ضابطه بین المللی نیز نه تنها جور، بلکه فرستگهان فله دارد. سپس خواهر خلقی در پایان سخنان درختانش برای سایر کشورها دلسوزی هم میکند و میگوید: "خوب بقیه در صفحه ۲۵

سرنوشتی غم انگیز و فاجعه انگیز دارد. بیاد داریم که چندی قبل کبری خلیقی، سرپرست امور مشترک کمیته های با مصلاح ورزش بانوان (بخوان یکی از خواهران زینب در مصاحبه ای در مورد ورزش زنان، مسابقات بین المللی و اعزام زنان ورزشکار به خارج، چنین گفت: "در این مورد تماسهایی گرفته شده است که در رابطه با فرستادن خواهرها به خارج از کشور مقرراتی را ابتدا از طریق کمیته المپیک مطرح کردیم که شامل رعایت مقررات و ضوابط اسلامی بود. چند کشور نیز از جمله پاکستان در این مورد اعلام آمادگی کردند. کره شمالی نیز از ما دعوت بعمل آورد، ولی شما خواهران

السالوادور

بنا به گزارش روزنامه لوس آنجلس تایمز، در یک درگیری که روز دوشنبه ۳۰ جولای در یکی از استانهای السالوادور (تالکالویا) بین چریکهای فارابوندومارتینی و نیروهای دولتی رخ داد، بیش از ۱۰ نفر از افراد گارد دولتی و ۲۲ سربازی که مأمور محافظت از یک مزرعه که از آن یکی از سرمایه داران السالوادوری بود، به هلاکت رسیدند. طرف چند ماه گذشته این چندمین حمله ای است که از جانب چریکها به نیروهای دولتی وارد میشود. رادیوی چریکها اعلام کرد که چریکها برای سپتامبر طرح حملات گوناگونی را در نظر گرفته اند تا ضربات مهلکی را به رژیم دواشته وارد سازند.

بنا بر گزارش روزنامه نیویورک تایمز، یکی از مقامات بلند پایه کابینه ریگان روز ۱۲ اوت اعلام کرد که کنگرس آمریکا مبلغ ۲۰ میلیون دلار کمک اضطراری را به دولت السالوادور به تصویب رسانید. وی همچنین اعلام کرد که مبلغ فوق در ارتباط با حملات اخیر چریکها به مراکز مهم دولتی و همچنین حملات احتمالی که در ماه سپتامبر انجام خواهد شد، میباشد.

نیکاراگوئه

روز ۱۹ جولای، دانیل اورتگو، هماهنگ کننده دولت نیکاراگوئه اعلام کرد که وضعیت اضطراری در نیکاراگوئه حداقل تا ۲۰ اکتبر ادامه خواهد یافت و تا "زمانی که امپریالیسم آمریکا به تجاوزات خود علیه کشور ما پایان ندهد، ادامه خواهد داشت."

پرو

در پی گسترش مبارزات کارگران و زحمتکشان و سازمانهای انقلابی پرو علیه رژیم ارتجاعی این کشور، خبرگزاریهای بین المللی گزارش دادند که دولت پرو به خاطر گسترش حملات چریکها، بزودی حکومت نظامی را در سراسر کشور برقرار خواهد ساخت. سیاستهای رژیم فاشیستی پرو که فشار زیادی را بر دوش زحمتکشان این کشور وارد آورده است اکنون مدتهاست که باعث بروز مبارزات گسترده اعم از اعتصاب، تظاهرات و مبارزات مسلحانه گردیده است.

کلمبیا

بنا به گزارش روزنامه لوس آنجلس



FSLN soldier addresses town people in Morazan. How will rebels respond to the new situation created by Duarte's election

یکی از چریکهای انقلابی السالوادور در حال روشنگری برای مردم شهر مورازان

خرخ تورم در سال جاری ۲۲۷٪ بوده است.

آسیا

فلسطین

در اواسط ماه جولای مجله میدل ایست مصاحبه ای را با فاروق قدومی عضو هیئت اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) داشت که ما در این جا بخشهای از آنرا برایتان می آوریم: قدومی در جواب سؤال خبرنگار این مجله که سفر شما به غرب چه دست آوردهایی را بدنبال داشت، گفت:

چ - بیشتر توجهات روی جنگ خلیج متمرکز شده و ترس از این بحران را میتوان در مجامع غربی احساس کرد. تا آنجائیکه مسئله به فلسطین مربوط میشود، هیچ پیشرفتی حاصل نشده. بنا براین من آمده ام اوضاع را ببینم تا طرحی را برای عمل داشته باشم.

س - بخشی از دلایلی که دنیا تمایلات خود را نسبت به مسئله فلسطین از دست داده است بیشتر بخاطر اختلافات داخلی است، تا چه اندازه توانستید این اختلافات را حل کنید؟

چ - ساف در دو سال گذشته با مشکلات و پیشامدهایی، چه داخلی و چه خارجی، روبرو بوده است، اما پایداری مردم فلسطین توانسته است بر این موانع غلبه کند و خود را آماده حل تمام مسائل حل نشده بنماید. برای مثال، مسئله

تایمز، در درگیری که بین چریکهای ۱۹-۸ و نیروهای دولتی شهر بوکاتا رخ داد، بیش از ۳۷ تن کشته و تعداد زیادی مجروح شدند. علت درگیری را چریکها کشته شدن کارلوس پلاتا، یکی از رهبران چریکها که اواسط ماه اوت توسط نیروهای دولتی به شهادت رسید، اعلام نمودند. چریکهای ۱۹-۸ در این درگیری تلفات سنگینی را به نیروهای دولتی وارد ساختند.

شیلی

در اوایل ماه اوت بیش از ۲۰ بمب بسیار قوی در نقاط مختلف شیلی منفجر شد که خسارات زیادی را به مراکز برق این کشور وارد ساخت. این انفجارات در "مؤسسه فرهنگی آمریکا" در شهر والپاریسو و شرکت کوکا کولا در شهر سانتیاگو و همچنین در وزارتخانه پست و تلگراف که مرکز جاسوسی آمریکا بود، رخ داد. مسئولیت این انفجارات را یک گروه چریکی مخفی بنام "جبهه میهن پرستان مانوئل رادریگز" که خود را یک گروه کمونیستی میدانند، به عهده گرفت.

برزیل

بنا به گزارش روزنامه لوموند، بیش از ۳۰ هزار کودک فاقد هیچگونه مسکنی بوده و در خیابانهای برزیل زندگی میکنند. حدود ۲۰۰ هزار کودک و والدینشان رها شده اند. این کودکان در فقر مطلق بسر میبرند و تعداد زیادی از آنان در اثر گرسنگی تلف میشوند. چهل درصد جمعیت فعال برزیل در بیکاری بسر میبرند و

دولتی حمله برده و خسارات زیادی را به صاحبان آنها وارد ساختند. یکی از کارگران اعتصابی گفت: "تنها راه پیروزی ما این است که کلیه کارگران و اعضای اتحادیه در آمریکا از ما حمایت کنند، ولی تا آشوبی ما به مبارزه خود ادامه می‌دهیم."

واشنگتن

در اواسط ماه اوت، ریگان که



پلیس آمریکا در تدارک حمله به کارگران اعتصابی کارخانه فلیس د ج

خود را برای یک سخنرانی رادیویی آماده میکرد، به خیال اینکه فرستنده خاموش است، اعلام کرد: "هموطنان آمریکایی من، همین چند لحظه پیش من قانونی را به امضاء رساندم که ظرف ۵ دقیقه آینده شوری را بمباران کنند و ما از شر آن نجات پیدا کنیم." این سخنان انعکاس وسیعی را چه در داخل آمریکا و چه در اروپا (به خصوص در شوروی) برانگیخت. در آمریکا عده‌ای از سیاستمداران معتقدند که این "شوخی" ریگان تأثیرات منفی در انتخابات آینده بجای خواهد گذاشت. خبرگزاری تاس نیز اعلام کرد که اصولاً این سیاست جدیدی نیست، این "شوخی" بینش جناح ریگان و امپریالیسم آمریکایی را نشان می‌دهد.

آفریقا

نامیبیا

بنا به گزارش روزنامه لوموند، در روز ۲۸ جولای سوابو اعلام کرد که دولت آفریقای جنوبی مسئول شکست مذاکرات ۲۵ جولای بوده است، چرا که طرح صلح سازمان ملل متحد را نپذیرفته است. این طرح بصورت زیر است:

برقراری آتش بس، جایگزینی نیروهای آفریقای جنوبی با یک

حقوقدانان فلیپین باعث شد که وزارت دفاع این کشور در روز ۱۶ جولای گزارشی در مورد "مرک مشکوک" ۷ نفر تهیه کند. این اعتراضات بویژه بعد از قتل فرزند ۱۹ ساله، یک روزنامه نگار، شدت یافتند. این روزنامه همچنین ادامه می‌دهد که اکثر قربانیان این واحد را فعالین جنبش انقلابی و بویژه افراد "ارتش نوین خلق" (بازوی نظامی حزب کمونیست فلیپین) تشکیل می‌دهند.

شورشها از میان رفته و بیرون خودشان انشعاب بوجود آمده است. این دیگر مزاحمتی برای مقامات خلق فلسطین ایجاد نمی‌کند. پس چرا جلسات رفع اختلافات بین جبهه خلق برای آزادی فلسطین (PFLP) جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین (DFLP) و الفتح زمان زیادی را در بر گرفته است؟

ج - سازمان الفتح قلباً "نگران وحدت ملی در سازمان و در جستجوی اصلاح روابط میباشد در حالی که در سازمانهای دیگر بخصوص "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" و "جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین" علاقه به یک سری بحث‌های دراز مدت در رسیدن به درک کامل از مسائل سیاسی از قبیل، برنامه‌های سازمانی، تاریخ بعدی جلسه "شورای ملی فلسطین"، پشتیبانی از حاکمیت مردم در سرزمینهای اشغالی و روابط با کشورهای عربی وجود دارد.

ب - خیلی‌ها معتقدند، اشخاصی در الفتح هستند که میدواریند با پیروزی حزب کارگر در انتخابات اسرائیل، امید بیشتری برای ثبات در خاور-میانه وجود خواهد داشت؟

ج - از نتایج انتخابات اسرائیل با آمریکا آمیدی حاصل نمی‌گردد. امید ما بایستی متکی به قدرت مردم ما باشد، پیشرفت قدرت ملی و وحدت عرب تنها راه درست برای حل بحران در خاورمیانه است اما اگر کسانی هستند که این را مشروط به پیروزی حزب کارگر در اسرائیل میدانند به نظر ما خیال‌بافانه بیش نیستند.

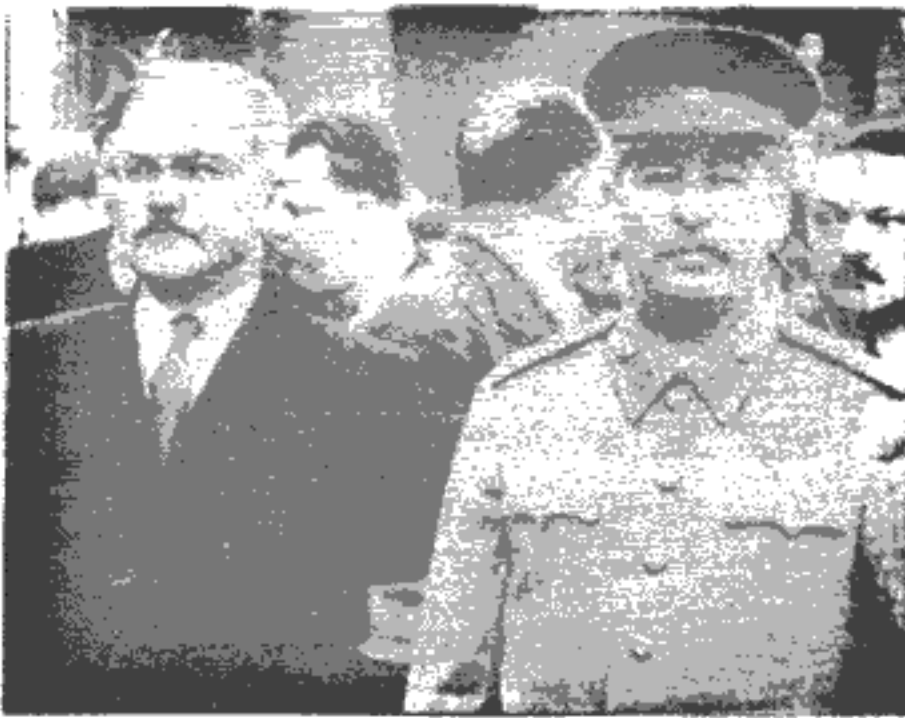
ویتنام

بنا به گزارش خبرگزاری ویتنام، در روز ۳۰ جولای نیروهای ویتنامی تنها جم پندگدان از ارتش چین به ابالت مرزی هانوین را درهم شکستند و آنها را مجبور به عقب‌نشینی نمودند.

فیلیپین

خبرگزاریهای جهان روز ۱۳ اوت گزارش دادند که هزاران تن از مردم فیلیپین به منظور محکوم نمودن رژیم مارکوس، به خیابانها ریخته و علیه دولت دست به تظاهرات زدند. تظاهرات کنندگان طی بیانیه‌ای اعلام کردند که ظرف هفته‌های آینده چندین تظاهرات گسترده را علیه رژیم فاشیستی مارکوس سازمان خواهند زد. در تظاهرات ۱۲ اوت، پلیس و نیروهای ضد شورش با باتوم و گاز اشک‌آور به مردم یورش برده که منجر به زخمی شدن تعداد زیادی از مردم شد.

بنا به گزارش روزنامه لوموند، در روز ۲۷ جولای بخشی از پلیس مخفی فیلیپین که ماه موریتش "مبارزه با بزهکاری" بود طبق دستور مارکوس منحل شد. از ۱۸ ژوئن که این بخش فعال شد تا کنون ۴۵ نفر توسط افراد آن کشته شده‌اند. اعتراضات کاتولیک‌ها و



مولوتوف به همراه استالین در مراسم تدفینی در سال ۱۹۴۶

نیروی چند ملیتی و سازماندهی انتخابات آزاد تحت نظارت بین المللی، دولت آفریقای جنوبی اجرای این طرح را مشروط به خروج نیروهای کوبا از آنگولا نموده است. سواپو اعلام کرده است که در مقابل رفتار دولت آفریقای جنوبی، چاره دیگری جز ادامه و تشدید مبارزه مسلحانه در نامیبیا ندارد.

آفریقای جنوبی

یک شرکت معدنی آفریقای جنوبی بجرم اینکه موازین ایمنی لازم را در یک چاه معدنی به کار نگرفته بود و در اثر بی توجهی به این مسئله، ۶۸ نفر جان خود را از دست دادند، به ۴۰۰ راند - یعنی ۲۵۶ دلار جریمه محکوم شد. یعنی ۴ دلار جریمه برای کشته شدن هر کارگر!

اروپا

آلمان فدرال

هفته نامه ساندی تایمز در تاریخ اول ژوئیه ۱۹۸۴ نوشته است که دولت آلمان ۲۵۰۰۰۰ کارگر ترک را وادار به ترک آلمان کرده است. در این گزارش آمده است که از میان ۴/۵ میلیون خارجی مقیم آلمان، ۵۶۰۰۰۰ کارگر ترک که جمعا با خانواده های خود جمعیتی برابر با ۱/۵ میلیون نفر را تشکیل میدهند، زندگی میکنند. ترکها یکی از بزرگ ترین اقلیتهای ملی در این کشور میباشند.

در دهه های ۵۰ و ۶۰ که سیل عظیمی از کارگران بیکار از کشورهای فقیر اروپای جنوبی به آلمان سرازیر شدند تا شغل های پست و کم درآمد را که توسط کارگران آلمانی دیگر قابل پذیرش نبود، بپذیرا شوند کارگران ترک نقش اساسی در اقتصاد در حال رشد آلمان داشتند. اما در حال حاضر که تعداد بیکاری در آلمان به ۲/۵ میلیون نفر رسیده و از ۲۷۴۰۰۰۰ نفر خارجی های بیکار، ۴۰٪ آنها کارگران ترک تشکیل میدهند، بیکاری و کمبود شغل کارگران ترک را به رقابتی شدید با کارگران بیکار آلمانی که خواستار همان شغل های پست میباشند، کشانده است. برطبق قانون جدید، دولت به هر کارگر بیکار شده خارجی که مایل به ترک دائم کشور آلمان نباشد، مبلغی بالغ بر ۱۰۵۰۰ مارک به علاوه ۱۵۰۰ مارک به ازای هر بچه پیشنهاد کرده است. این قانون بیشترین فشار را بر کارگران ترک وارد میکند.

این هفته نامه همچنین در گزارش خود مینویسد که در ماه مه سال ۱۹۸۲ یک دختر ۲۴ ساله ترک در اعتراض به دشمنی آلمانها بر علیه خارجی ها، خود را به آتش کشید و جان سپرد.

شوروی

مولوتوف به حزب بازگردانده میشود

مولوتوف که در زمان استالین وزیر امور خارجه و نخست وزیر اتحاد جماهیر شوروی بود، در سال ۱۹۶۱ در دوران خروشچف (به همراه گورکی - مالینکوف از دیگر یاران استالین) تحت عنوان عناصر "مذحزی" و بدلیل مخالفت هایش با خروشچف، از حزب اخراج گشت.

پرونده اخراج مولوتوف به این ترتیب بود که در سال ۱۹۵۲ خروشچف او را متهم به تعلق به فراکسیون "مذحزی" نمود و وی از کمیته مرکزی حزب برکنار گردید و بعنوان سفیر شوروی به مغولستان فرستاده شد. در پیست و دومین کنفره حزب کمونیست شوروی در ۱۹۶۱، خروشچف و پیروانش، مولوتوف را به اتهام همکاری با استالین در تحفیه های حزبی، از حزب اخراج نمودند.

شهرت مولوتوف در بین مردم عادی بدلیل فعالیت های مهم سیاسی او و دستور وی مبنی بر ساختن بطری های آتش زا در جنگ جهانی اول بود. این بطری های آتش زا علیه تانکهای آلمان هیتلری بکار گرفته شد. آلمانی ها این بطری - های آتش زا را "گوکتل مولوتف" نامگذاری کردند.

اخیرا از مولوتف در سن ۹۴ سالگی اعاده حیثیت شد و وی به حزب کمونیست شوروی باز گردید.

ایرلند

بنا به گزارش روزنامه نیویورک تایمز، روز ۱۲ اوت هزاران تن از مردم شهر بلفاست (بخش شمالی ایرلند) در خیابانها گردآمده و دست به تظاهرات وسیعی زدند. در حالیکه مردم رفته رفته زیاد میشدند و برگزارکنندگان تظاهرات آنها را به

آرامش دعوت میکردند، یکی از افراد طرفدار "ارتش آزادیبخش ایرلند" بنام کالوین که پلیس انگلستان مدتها بدنبال او بود تا او را دستگیر کند به روی صحنه آمد تا برای مردم سخنرانی نماید. در همین بین، پلیس و نیروهای دولتی به تظاهراتکنندگان بطور وحشیانه ای حمله بردند بطوریکه در اثر تیراندازی پلیس بطرف مردم یک جوان ۲۲ ساله به شهادت رسید و تعداد زیادی نیز دستگیر شدند. زد و خورد بین پلیس و تظاهراتکنندگان تا آخر آن روز ادامه پیدا کرد و کالوین که یک وکیل آمریکایی ایرلند ااصل است نیز با کمک مردم موفق به فرار شد.

انگلستان

بیش از ۵۰۰۰ کارگر اعتصابی که وارد پیست و سومین هفته اعتصاب خود شده اند و شعارهایی را در همین رابطه با خود حمل میکردند توسط پلیس ضد شورش مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. در زد و خوردی که بین پلیس و کارگران اعتصابی انجام گرفتست چندین پلیس مجروح و زخمی شدند و ۵۰ تن از کارگران اعتصابی دستگیر شدند.

در روز ۲۰ جولای، دادگستری انگلستان با تکیه بر قوانین سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۸۲ که فعالیت سندیگانی را محدود میکنند، "اتحادیه ملی معدنچیان" را به پرداخت ۵۰ هزار لیره جریمه محکوم کرد. "اتحادیه ملی معدنچیان" فوراً اعلام کرده است که این جریمه را پرداخت نخواهد کرد. عدم پرداخت این مبلغ میتواند منجر به توقیف کامل دارایی های اتحادیه توسط دولت بشود که در این صورت اعتصاب ۲۳ هفته ای کارگران معدن دچار مشکلاتی خواهد شد. آرتور اسکارجیل، رهبر اتحادیه از کنگره ترید یونیون که تا کنون نسبت به اعتصاب معدنچیان محافظدکارانه برخورد کرده است، درخواست کمک مالی نموده است.



قتل عام فلسطینی‌ها در اردوگاه صبرا توسط عوامل صهیونیسم

تحلیلی از کمیتة مرکزی "جبهه خلق برای آزادی فلسطین"

موضع خلق مادر فلسطین اشغال شده

شرکت وسیع خلق مادر مقاومت بر علیه اشغال امپریالیستی - صهیونیستی در سرزمینهای اشغال شده، یکی از روشن ترین مواضعمان بشمار میرود و جای فوق العاده‌ای در واقعیت جنبش آزادیبخش ملی عرب دارد.

با اینکه در حال حاضر ضعف جنبش آزادیبخش ملی عرب حالتی بحرانی پیدا کرده است ولی جنبش توده‌ای در مناطق اشغال شده از موقعیتی استثنائی برخوردار است این بسیج توده‌ای از سالیان قبل در مناطق اشغال شده بر علیه استعمارگران و طرحهایشان وجود داشته است. اعتمادات و تحمّن‌ها، تظاهرات و میتینگ‌ها و تمام اشکال مبارزه و حتی گاهی اعمال قهرمانانه، نظامی، در مناطق اشغال شده جریان دارند. این حرکات در تمام مدت اشغال ادامه یافت و حتی برادران و رفقای مبارزمان در کمپ‌های زندان دشمن، به حرکات مبارزاتی خود ادامه دادند.

این موضع در مناطق اشغال شده نشانگر وحدت خلق فلسطین، ماهیت ملی و اتحادش حول تنها رهبریت مشروع خود، یعنی (ساقه) و همچنین نمایانگر یگانگی هدف در مبارزه خلق فلسطین در هر منطقه، جغرافیائی و در هر نبردی میباشد. زیرا توده‌های فلسطین با آگاهی مبارزاتی خود فهمیده اند که تنها جم نیروهای صهیونیستی بر علیه انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان در خاک لبنان، تنها جمی است بر علیه خود آنها.

مواضع "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" در هنگام جنگ

تجربه وحشتناک این جنگ ثابت کرد که جبهه آزادی

واقع بینانه، از هماهنگی سیاسی، تشکیلاتی و نظامی بسیاری برخوردار است. رفقای مادر تمام جبهه‌ها نبرد میکردند و در برابر حملات دشمن شجاعانه و مستحکم، ابتکار عمل را در دست میگرفتند. در طول جنگ جبهه مواضع سیاسی واقع بینانه‌ای از نظر استراتژیکی اتخاذ نمود و در زیر فشار نظامی و بهنگام اشغال، هرگز تاکتیک اشتباهی که امکان لطمه زدن به خط سیاسی‌اش را داشت، در پیش نگرفت. از همان آغاز نبرد جبهه در کنار عناصر مسلح انقلاب فلسطین و نیروهای ملی لبنان با تمام قوا در برابر اشغال امپریالیستی - صهیونیستی ایستادگی کرد. با وجود آگاهی از نابرابری توازن قوا بنفع دشمن، جبهه تا آنجا که میتوانست از نظر سیاسی و نظامی و توده‌ای، برای تدارک مقاومت در برابر اشغال، تلاش نمود. در طول جنگ موضع ما استفاده از تمام امکانات برای:

- وارد آوردن بیشترین ضربه به نیروهای اشغالگر
- طولانی کردن نبرد بر علیه دشمن صهیونیستی تا حد امکان
- ادامه مبارزه در برابر دشمن و در نقاطی که او تصرف کرده، بود
- ضمن اشاره به نقش مهمی که تمام عوامل سازنده انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان در برابر اشغال صهیونیستی به عهده گرفتند، باید به نقش برجسته و پرافتخار جبهه نیز توجه نمود:

۱- جبهه نقشی اساسی در حفظ وحدت ملی فلسطین که نیروهای دشمن هدف درهم شکستنش را داشتند، بازی کرد. جبهه با دوراندیشی و مواضع سیاسی متعادل و با مشخص کردن تضاد اصلی، از ضربه زدن روحی دشمن به توده‌ها و مبارزین

جنبش ملی لبنان: موضع و نقش آن در نبرد

جنبش ملی لبنان به همان اندازه انقلاب فلسطین از - وسعت اشغال دشمن غافلگیر شد. باید به روشنی و با افتخار تاکید کنیم که جنبش ملی لبنان با تمام وزنه نظامی در نبرد شرکت کرد و نیروهایش از همان آغاز جنگ پا به پای - نیروهای انقلاب بر علیه نیروهای اشغالگر صهیونیستی - مبارزه کردند. مواضع جنبش ملی لبنان و نیروهای ملی لبنان مهمترین عواملی بودند که انقلاب فلسطین با تکیه بر آنها توانست توانائی مقاومت را پیدا کند و توانست مبارزه مسلحانه و مذاکرات بر علیه کوششهایی که قصد تحمیل کردن تسلیم را داشتند، پیش ببرد. نقش جنبش و نیروهای ملی لبنان فقط به شرکت در عملیات نظامی ختم نمیشد، بلکه همین نیروها بودند که اساسی ترین حمایت سیاسی را از مواضع انقلاب فلسطین کردند. زیرا آنها مخالفت آشکار خود را با شرایط خفت باری که فیلیپ حبیب به انقلاب فلسطین ارائه میداد، نشان دادند و برای مقابله با این - پیشنهادات عرضه شده، با استفاده از تمام امکانات خود دست به مبارزهای سیاسی - نظامی زدند. آنها همچنین در مقابل هرگونه فشار و تحریک هم به سختی مقابله میکردند. مواضع جنبش و نیروهای ملی لبنان نتایج مهمی ببار آوردند. از یکطرف نقش مهمی در استحکام مواضع انقلاب فلسطین بازی کردند و از طرف دیگر بر روی نیروهای مسلمان سنتی تاثیر گذاشتند. لازم است اشاره شود که این نیروهای مسلمان میترسیدند که مخالفتشان با اشغال صهیونیستی در حد مناسبی نباشد و انقلاب آنها را جزء نیروهای مخالف اشغال شمارد.

جنبش و نیروهای ملی لبنان با نشان دادن مواضع حکومت لبنان، نقش مهمی در افشای آن ایفا کردند. بدین ترتیب این نیروها با یکبار بردن فعالیتهای تبلیغی، قصد فشار آوردن بر حکومت و مجبور کردن آن به گرفتن موضع در - مقابل اشغال صهیونیستها و پیشنهادات فیلیپ حبیب را - داشتند.

جنبش ملی لبنان و نیروهای ملی لبنان همانند افکار عمومی لبنان بخوبی واقف بودند که خروج انقلاب فلسطین توازن سنتی قوای در سطح منطقه بر هم خواهد زد و شرایط دشواری را بدنبال خواهد داشت. بنا بر این تصمیم ادامه تدارکات نبرد را گرفتند و اینکار را با نهایت درجه مسئولیت و جدیت و رزمندگی انجام دادند. پس از آنکه در مورد نحوه - خروج انقلاب (انقلابیون) از بیروت اتفاق نظر حاصل شد، - جنبش ملی لبنان خود را برای روبرو شدن، با واقعیت جدید مبارزاتش آماده نمود. مبارزهای که توسط نیروهای ملی لبنان رهبری میشود و هر روز وسیعتر میگردد، نمایانگر توان رزمندگی این نیروها و همچنین استحکام پیمان ملی فلسطین - لبنان میباشد. کمیته مرکزی ما از نقش با ارزشی

(از راه درهم شکستن وحدت ملی)، جلوگیری نمود. از طریق همکاری روزمره با عناصر جنبش ملی لبنان و با فشاری - روی شرکت جنبش ملی لبنان در تصمیمگیری فلسطین - لبنان جبهه نقش مهمی در حفظ اتحاد ملی فلسطین - لبنان و تحکیم آن ایفا کرد. با اینهمه جبهه از گرفتن موضع در مقابل - مواضع اشتباه برخی از نیروهای دیگر فلسطین، خودداری - نکرد. جبهه مواضع را مبنی بر قاطعتر شدن موضع ملی و - حفظ وحدت آن علیه هرگونه احتمال سازش غیر قابل قبول و غیر منطقی، اعلام داشته است. از این نظر مواضع جبهه نقش مهمی در قاطعیت موضع فلسطینی ها در برابر دشمن صهیونیست بازی میکرد. این امر از طریق انگشت گذاشتن روی خصوصیات استراتژیک مسئله فلسطین و اینکه این مسئله نمیتواند در چارچوب تاکتیکی حل شود، صورت پذیرفت.

۲- جبهه با فعالیت سیاسی و تبلیغی خود مدام - توده ها و افکار عمومی بین المللی را طر نشان کرده است که امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق ما و تمامی خلقهای - که برای رهایی مبارزه میکنند، میباشد و این امپریا - لیسم کاملاً در برنامه ریزی و اجرای تهاجمات و کشتارهای - لبنان سهیم است. با استفاده از این فعالیتها سیاسی - تبلیغی، جبهه توانست همکاری ارتجاع عرب را در جنگی که در تمام منطقه جریان دارد، افشاء نماید. این همکاری در - زمانی صورت میگرفت که طیف راست جنبش فلسطین این رژیمها را متحدین واقعی انقلاب قلمداد میکند.

۳- جبهه، علیرغم دلسردی و تاثیر از ضعف فعالیتها - جنبش آزاد بخش ملی عرب و حمایت ناقابل از این جنبش از انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان بعمل آورد، یکبار دیگر در تمام مواضع اعلام نمود که انقلاب متعلق به جنبش - آزاد بخش ملی عرب میباشد. این مواضع در مقابل اقداماتی - که خواستار مخفی کردن اختلافات موجود بین جنبش آزادی - بخش عرب رژیمهای ملی و نیروهای ارتجاعی و رژیمهایشان بود، ظاهر گردیدند.

۴- موضع مسئولانه و آگاهانه ای که جبهه در مورد نقش اتحاد شوروی و واقعیت دوستی با آن و اینکه اتحاد شوروی متحد استراتژیک انقلاب میباشد، گرفت

۵- در مورد عملیات نظامی باید اشاره کرد که از آغاز جنگ جبهه یک خط نظامی روشنی را پیش میبرد و برای بسط آن مبارزه میکرد. در تمام مدت جنگ ما خواستار ادامه عملیات بر علیه نیروهای اشغالگر در جنوب و در کوهستان شوف بودیم. زیرا بنظر ما این جنگ یک جنگ موضعی نبود و میبایست با وارد آوردن ضربه های بزرگه بیشترین لطامات را به دشمن میزدیم و او را از پای در میآوردیم. و همچنین روی لزوم دفاع شدید از بیروت در تمام جبهه های مورد تهاجم دشمن، اصرار میورزیدیم. افتخاری که ما بخاطر نقشمان احساس میکنیم نباید به هیچوجه نقش برجسته رفقای همزمان را از نظر دور نماید. باید تاکید کنیم که مبارزین جبهه پای پای دیگر نیروهای مشترک در تمام جبهه ها میجنگیدند.



صحنه‌ای از قتل عام مردم شتیلا توسط فلانژیست‌ها و عوامل صهیونیسم

ابتکار عملهای ظاهری، تمام تخم مرغهایش را در یک سبد گذاشت و آن را به فیلیپ حبیب داد و حبیب نیز همان هماهنگ کننده مواضع مشترک آمریکا، صهیونیسم و لبنان برای رهبری سیاسی - نظامی نبرد بود. نیروهای اشغالگر بدون برخورد با کوچکترین مقاومت سیاسی و نظامی به درهای کاخ Baabda و وزارت دفاع لبنان رسیده و ستاد خود را در نزدیکی کاخ ریاست جمهوری مستقر کردند. سپس با کمک نیروهای فالانژ، بدون برخورد با هیچگونه عکس العملی از سوی مسئولین کاخ ریاست جمهوری یا وزارت دفاع و بدون هیچگونه اعتراضی از سوی آنها بخاطر تجاوز به دفاتر رسمی، نمایندگان، نیروهای صهیونیستی دست به محاصره بیروت زدند. هنگامیکه محاصره کامل بیروت صورت گرفته سرکیس به اصطلاح "کمیته نجات ملی" را تشکیل داد و "کمیته" را برای گردهم آشی در کاخ Baabda که در آن زمان کاملاً در محاصره نیروهای صهیونیستی بود، دعوت کرد. از همان آغاز این موضوع برای ما و برای تمام نیروهای مترقی فلسطینی و لبنانی روشن بود که سرکیس و بوتروس در حقیقت سعی در پنهان کردن نقش واقعی خود داشتند. این موضوع در جریان دو گردهم آشی این "کمیته" به اثبات رسید. با این حال مواضعی که از سوی عناصر ملی "کمیته" مثل جمیلاط و باری - مورد دفاع قرار گرفتند، اقدامات خائنانه سرکیس و بوتروس را نقش بر آب کردند و به برنامه "کمیته نجات" پایان دادند. ترکیب سرکیس - بوتروس - بشیر جمایل پرده از روی همکاری سرکیس در اشغال لبنان برداشت و تحولات جنگ به او اجازه نداد که مواضع خود را پنهان نگاه دارد. همینطور، سرکیس بهمان شکلی که قصد سوء استفاده از "کمیته نجات ملی" را داشته سعی کرد با ایجاد موانع در جلسات دولت و با استفاده از استعفای Wazzan خود را از شر عناصری که ملی بشمار میرفتند، خلاص کند و ابتکار عمل را به انحصار خود و بوتروس و بشیر جمایل درآورد. سرکیس یک هفته پس از اشغال، در حالیکه جنگ شدت در جریان بود، برای تقاضای خروج

که توده‌ها و جنبش ملی لبنان ایفانمودند، تجلیل میکنند و بویژه در تاریخ مبارزات ملی فلسطین این نقش فوق العاده را همیشه بخاطر خواهد سپرد و همچنین این پیمان را به مثابه یک تجربه پیشرفته از نبردی مشترک در چارچوب جنبش آزادیبخش ملی عربی از یاد نخواهد برد.

خلق ما و انقلاب ما در جهت استحکام و ادامه مبارزه مشترک با خلق مبارز و نیروهای ملی پیشرو لبنان وفادار خواهد ماند.

مواضع و نقش حکومت ارتجاعی لبنان و حزب فلانژیست

هیچکس نمیتواند این واقعیت را انکار کند که قصد حکومت ارتجاعی و نیروهای فاشیستی لبنان ضربه زدن به انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان ویدنبال آن خروج نیروهای سوریه از لبنان بود. از همان آغاز درگیریها واضح بود که گردانندگان حکومت ارتجاعی لبنان از تدارکات صهیونیست ها برای اشغال خاک لبنان مطلع بودند و حتی برخی از آنها در این زمینه سازی ها شرکت داشتند. فعالیت آنها و بخصوص فعالیت برخی از افسران در هنگام جنگه کاملاً نمایانگر شرکت آنها به اشکال مختلف در این عملیات بود. از جمله به وجود آوردن تسهیلاتی در امر رفت و آمد و حرکت دشمن بمنظور درهم شکستن انقلاب جنبش ملی لبنان و با دادن اطلاعات توسط سرویسهای ضد اطلاعاتی، اما در مورد نیروهای دست راستی و فاشیست فالانژ و روابط و اتحادشان با دشمن در تمام سطوح از جمله نقش آنها در تدارک اشغال، جای هیچ شکسی وجود ندارد. بیانات سیاسی صهیونیستها پرده از این همکاری نظامی برداشته است و دیگر جای هیچ ابهامی وجود ندارد. نیروهای فالانژ چه در بیروت چه کوهستان شوف و چه در سایر نقاط در کنار نیروهای صهیونیست میجنگیدند. آنها در اجرای طرح کشتار "صبرا" و "شتیلا" سهیم بودند و واقعیات نقش جنایتکارانه آنها را بر ملا نمود.

حکومت ارتجاعی لبنان علیرغم برخی موضعگیریها و

نیروهای میانجیگر مذاکرات عربی شروع به فعالیت نمود. زمانیکه نیروهای قهرمان مقاومت در مقابل با - نیروهای اشغالگر خواهان تشکیل جلسهای با دعوت از وزرای امور خارجه اعراب در تونس شدند، نخستین پاسخ حکومت لبنان، جواب منفی به این دعوت بود. حکومت لبنان - هنگامی هم که زیر فشار قرار گرفت و جواب مثبت داد، بجای بوتروس وزیر Abou Khater را بعنوان نماینده لبنان به تونس فرستاد. این شخص فقط اسم لبنان را با خود حمل میکرد و در واقع مضمونی آمریکائی - صهیونیستی داشت. وقتیکه کمیته شش نفره، منسحب از جلسه وزرای امور خارجه در طائف گردهم آمد، نماینده لبنان بغیر از تصمیم اول بقیه تصمیمات را تأیید نکرد. هنگامیکه برای تشکیل سران عرب دعوتها را بعمل آمد، سرکیس و شرکا با آن مخالفت کردند. کاملاً واضح بود که آنها موافق این جلسه - میبایست تصمیماتی خارج از تقاضای خروج جنبش مقاومت از لبنان بگیرد، نبودند.

وقتی فرانسویها طرح خود را برخلاف نظر سرکیس و شرکا به شورای سازمان ملل ارائه کردند، آنها به فیلیپ - حبیب اصرار نمودند که دولت آمریکا این طرح را تأیید کند. واقعیات نشان داد که توافقی کامل بین امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و گروه سرکیس - بوتروس - جمایل وجود داشت و اهداف مشترکی را در طرح اشغال صهیونیستی خاک لبنان دنبال میکردند. همچنین مشخص شد که مواضع آنها تقریباً یکی است و حتی شیوههایی هم که برای رسیدن به این اهداف مشترک بکار میبردند، یکنواخت است. لازم به تذکر است که حکومت ارتجاعی که نمایندگان سرکیس - بوتروس و بشیر جمایل بودند، در همانک کردن شرایط خفست باری که فیلیپ حبیب بعنوان میانجی برای تسلیم مقاومت تدارک میدید، سهیم بودند. همینطور برخی از اخبار رسیده گویای این واقعیت بودند که بعضی از عوامل حکومت از - مواضع بمراتب شدیدتر و خشن تر برای حل بحران بیروت - دفاع میکردند. این موضوع چندین بار به اثبات رسید برای مثال حکومت ارتجاعی لبنان با پیشنهاد انتقال مبارزین به دره بقاع و شمال حتی برای مدت یک هفته شدیداً - مخالفت کرد و خواستار خروج کامل آنها از لبنان شد. یا اینکه قبل از خروج مبارزین از لبنان، خواستار تحویل سلاحهای سنگین و نیمه سنگین آنها شد.

موضع رسمی اعراب هنگام جنگ لبنان

بسیار واضح بود که مواضع رژیمهای عربی در طول ماههای نبرد برعلیه اشغال صهیونیستی خاک لبنان، نمی - توانست جدا از مواضع شان در طول سالها جنگ بین انقلاب - فلسطین و جنبش ملی لبنان از یکطرف و نیروهای ارتجاعی فاشیستی - صهیونیستی از طرف دیگر باشد. رژیمهای ارتجاعی از هیچ فرصتی برای تحت فشار قرار دادن انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان و برای توطئه علیه آنها بنبغ حکومت

ارتجاعی لبنان دروغ نکردند. زیرا آنها از این درگیریها و نبرد بین نیروهای مشترک و نیروهای ارتجاعی استفاده - کرده و برای بحران لبنان راه حلهایی میدادند که کاملاً با طرح امپریالیستی برای منطقه همسوئی داشت. دقیقاً طی دو سال اخیر، این رژیمها با همکاری دشمن از تمام شیوهها و فشارها برای بیرون راندن نیروهای عرب میانجیگر Disuasion استفاده کردند و برای داخل کردن ارتش حکومت ارتجاعی لبنان در مناطق تحت کنترل انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان با قصد ضربه زدن به این نیروها تلاش نمودند. به همین دلیل هنگام نبرد با دشمن، ما از مواضع این رژیمها هیچ شعبی نگردیم و حتی مطمئن بودیم که - برخی از این رژیمها در تدارک آنچیزی که در خاک لبنان - میگذشته دست داشتند. علاوه بر این مسئله اساسی، بایده مسئله زیر نیز اشاره کرد.

روابط رسمی بین رژیمهای عربی قبل از شروع تهاجم وسیع امپریالیستی - صهیونیستی در حدپائینی قرار داشت. توطئه های امپریالیستی - صهیونیستی - ارتجاعی برعلیه رژیمهای ملی بطور آشکار در تمام منطقه صورت میگرفت و هدف آن، نابود کردن تمام موانع بر سر راه طرح کمپ دیوید و تکمیل سلطه امپریالیستی - ارتجاعی در منطقه از نظر سیاسی - اقتصادی و نظامی بود. این وضعیت و همچنین مواضع تدافعی رژیمهای ملی و مواضع تهاجمی دشمن امپریالیستی صهیونیستی و ارتجاعی بوسیله دو عامل معین شدند:

- امضاء قرارداد کمپ دیوید توسط سادت و خروج مصر از جبهه امتناع
 - آغاز جنگ ایران و عراق و خروج عراق از اردوگاه امتناع ملی با دشمن صهیونیست
 - آغاز جنگ ایران و عراق و خروج عراق از اردوگاه امتناع ملی با دشمن صهیونیست
- سوالی که پیش میآید اینست که ماهیت موضعگیریهای اعراب در طی جنگ چه بود. برای پاسخ به این سوال باید ۳ جریان را در نظر بگیریم: اول رژیمهای ارتجاعی عرب، دوم رژیمهای ملی عرب و دقیقاً جبهه امتناع و سوم جنبش آزادی - بخش ملی عرب.

رژیمهای ارتجاعی عرب - آنچه که در مورد این رژیمها قابل ذکر است همانا سهیم بودنشان در اشغال امپریالیستی صهیونیستی و اهداف آن میباشد. آنها بعلت طولانی شدن نبرد و مقاومت ملی نتوانستند همدمی خود را پنهان نگاهدارند. لازم به یادآوری است که موضعگیریهای آنها هرگز از حد - انتشار اعلامیههای تکراری، وبی محتوی و فریبدهنده فراتر نرفت و حتی از تشکیل یک اجلاس سران عرب نیز خودداری - کردند و زمانی هم که مجبور به گردهم آئی وزرای خارجه عرب شدند، کارشان در تعیین یک موضع روشن بشکست رسید و اینکار به کمیته شش نفری متشکل از وزرای خارجه - سوریه، الجزایر، عربستان سعودی، اردن، لبنان و صاف -

واگذار شد. جالب اینست که از بشیر جمایل هم دعوت بعمل آمده بود و او بدون داشتن کمترین صلاحیتی به نمایندگی لبنان به طائف رفت و در آنجا توانست با برخی از وزرای خارجه نشستی داشته باشد و نقطه نظرهای خود را در اختیار شان بگذارد. این دعوت نمایانگر دو چیز بود: اول مواضع و جهت گیری های رژیمهای ارتجاعی عرب را نسبت به لبنان نشان داد و ثانیاً حمایتی بود از حزب فائزیت و از بشیر جمایل بعنوان کاندیدای ریاست جمهوری. این رژیمها از فرصتی که جنگ بدست داده بود، استفاده کرده و دیدارهای مشکوکی انجام دادند که همگی گویای این واقعیتند که آنها در رابطه با طرح نابودی انقلاب فلسطین بوده است. همینطور هنگام جنگ ارتجاع عرب تمام مسئولیتها را که نسبت به تصمیمات اتخاذ شده در اجلاس سران عرب در بغداد در مورد روابط با رژیم مصر داشت، کاملاً زیرپا نهاد و با دادن شعارهای فریبنده و خائنانانه دعوت به اتحاد نیروهای عرب در برابر تهدیدهای صهیونیستی نمود. در همین زمینه وزیر امور خارجه مراکش با زدی دیدی از قاهره بعمل آورد و خواستار پیوستن مصر به همبستگی رسمی اعراب شد. دیدارهای بین اردن و مصر هم دوباره شروع شد، رئیس جمهور مبارک سفری به عربستان سعودی کرد، طیف راست فلسطین هم برای از میان برداشتن مانعی که بعد از امضاء موافقتنامه کمپ دیوید و دیدار سادات از قدس، بین انقلاب فلسطین و رژیم مصر بوجود آمده بود، تلاشهایی را آغاز کرد. طبیعتاً ارتجاع عرب میکوشد تا از اشغال صهیونیستی و از ضربه های وارآمده بر انقلاب فلسطین استفاده کند و خود را از بن بست سیاسی خارج ساخته و روابط رسمی خود را با مصر از سر بگیرد.

جبهه پایداری و امتناع

با اینکه یکی از اعضاء این جبهه، یعنی سافه زیر ضرب بود و دشمن سعی در متلاشی کردن آن را داشته با اینهمه جبهه هیچگاه جلسه تشکیل نداد و هیچگاه نیز بعنوان "جبهه" با عملیاتی هماهنگ در جنگ شرکت نکرد. تقاضای ما و ساف نیز در مورد تشکیل اجلاس جبهه پایداری موثر واقع نشد. این بی حرکتی از عدم توانایی جبهه ناشی میشد و آینده آنرا زیر علامت سؤال میبرد.

مواضع سیاسی و عملی کشورهای عضو این جبهه بسیار متفاوت و در کل از حد لازم پائین تر بود. وضعیت جبهه پایداری و امتناع چه بعنوان یک جبهه و چه بعنوان تشکلی از رژیمهای عضو آن، دلایلی بدست طیف راست فلسطین داد تا بتواند روی اختلافات بین رژیمهای عرب سرپوش بگذارد و در ضمن عربهای طرفدار آمریکا و عربهای ناسیونالیست و مخالف آمریکا و سیاست آنرا در یک کفه ترازو قرار دهد. این وضعیت همچنین عقیده آن عده از نیروها و کشورهاست که از آغاز تشکیل این جبهه نسبت به وجود آن تردید داشتند و آن نیز تقویت کرد. بدون در نظر گرفتن جزئیات مربوط به این یا

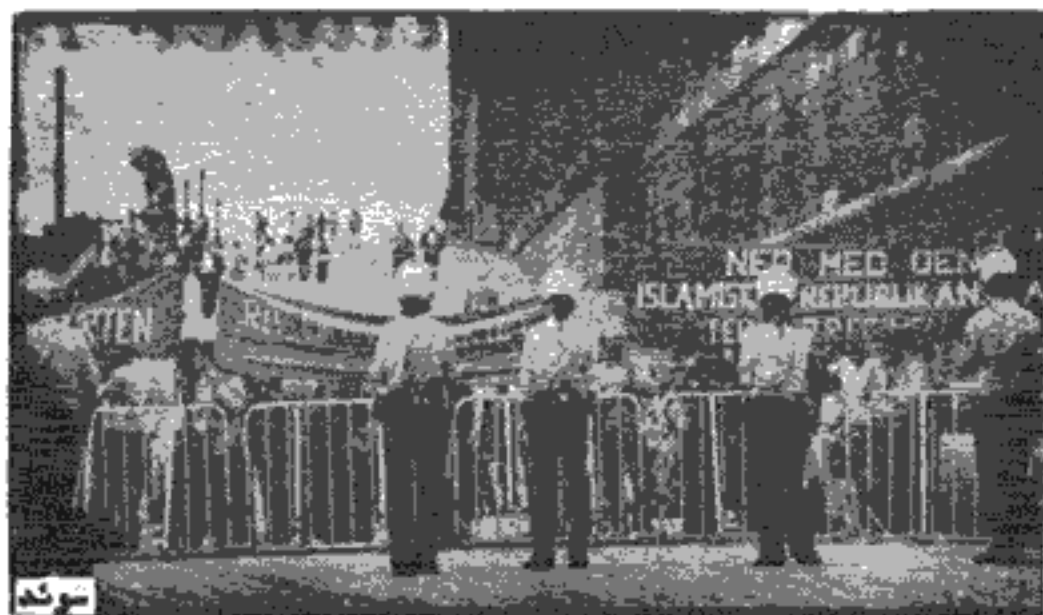
آن کشور، لازم به یاد آوریم که موضع سوریه چه در گذشته و چه در حال حاضر پایه مخالفت رسمی بر علیه اشغال خاک لبنان توسط صهیونیست است.

واقعیت اینست که سوریه هم مثل دیگران از وسعت این اشغال غافلگیر شد زیرا مانند نیروهای مقاومت، فکر میکرد که تهاجم صهیونیستها از رودخانه زهرانی Zaharani فراتر نخواهد رفت و بنا بر این تصور میکرد که امکان مقابله با عواقب آن وجود دارد. اما با وجود شرکت نیروهای سوریه در بسیاری مناطق، با وجود تصمیم سوریه مبنی بر عدم قبول عقب نشینی از بیروت بعد از محاصره و عدم قبول راه حلهای پیشنهاد شده برای عقب نشینی، با وجود باقی گذاردن نیروهای مسلح در بیروت جهت مبارزه در کنار نیروهای مشترک و با وجود از دست دادن نیروی انسانی و مادی و علیرغم خیلی مسائل دیگر، شرکت نیروهای سوریه در جنگ در چارچوب یک جنگ کلاسیک از نظر توازن قوا و تکنولوژی در قسمت وسیعی از خاک لبنان و نتوان نشان برای تعیین سرنوشت نبرد بر طبق نقشه های نظامیشان چه در آن زمان چه در حال حاضر، امکان خسته کردن نیروهای صهیونیستی را در یک جنگ مداوم و طولانی فراهم میکرد. موضع سوریه چه در گذشته و چه در حال حاضر همواره بر روی مواضع رژیمهای ملی عرب چه در جهت حمایت از مقاومت فلسطین بر علیه دشمن صهیونیستی و با کمترین از این، تا شبر داشته است. اگر سوریه میخواسته توان آن را داشت که از این اوضاع استفاده کرده، نیروی رابرعلیه دشمن صهیونیستی شروع کند و این رژیمها را به شرکت جدی در این نبرد بکشانند.

جنبش آزادبخش ملی عرب

فعالیت این جنبش بطور کلی به حمایت سیاسی از انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان محدود میشد. علیرغم طولانی بودن مدت زمان جنگ و علیرغم مقاومت قهرمانانه و فوق العاده انقلاب فلسطین و نیروهای ملی لبنان، جنبش آزادبخش ملی نتوانست اعتراضات توده ای عربها را تدارک ببیند و رهبریشان کند و همچنین نتوانست آنها را بر علیه دولتهای همدست و بی کفایتشان به حرکت درآورد. جنبشهای توده ای به یک سری تظاهرات و اعمال پراکنده در برخی از پایتختهای عربی محدود ماند و این نسبت به وسعت اهداف اشغال صهیونیستی، بسیار ناچیز بود. مسئله صرفاً به این فعالیت سیاسی ضعیف جنبش توده های عرب محدود نمیشود.

زیرا هنگام نبرد بیروت سئوالات بسیاری در مورد این جنبش و غیبت تقریباً کامل آن در محنه و همچنین عدم حمایت وسیع از مقاومت فلسطین و یا بی نتیجه بودن جنبش ملی عرب در نبرد لبنان یعنی در لحظاتی دشوار و سرنوشت ساز که میبایست مسئولیتهای ملی خود را بعهده میگرفت مطرح گشت. برای شناخت دلایل این مسائل باید عوامل عینی و ذهنی بسیاری را بررسی کرد. بدون شک فقدان رهبری طبقه کارگر بر جنبش



سوئد - استکھلم

مدتی است که "طرح قرارداد طولانی مدتی (حدود ۱۰ سال) برای آموزش سالیانه چهارصد نفر پزشک و دندانپزشک ایرانی (هوادار رژیم) مابین رژیم جمهوری اسلامی و دولت سوئد در دست مذاکره است که تاکنون بخشی از آن به مرحله اجرا گذاشته شده است. در همین رابطه، بدعوت کمیته دانشجویان ایرانی در استکھلم در تاریخ ۲۴ جولای، تظاهراتی با شرکت بیش از ۲۵۰ نفر از ایرانیان مرفقی صورت گرفت که نشاندهنده خشم و نفرت ایرانیان مرفقی از این مسئله بود. در پایان تظاهرات قطعنامه مستقیماً در اختیار مقامات وزارت امور خارجه سوئد قرار گرفت و نسخه‌های دیگر آن برای دیگر مقامات اداری سوئد، جراید و رادیو تلویزیون فرستاده شد. شعارهای تظاهرات عبارت بود از: "سرنگون باد رژیم تروریستی ایران"، "مرگ بر خمینی"، "مرگ بر امپریا - لیسم آمریکا"، "ورود تروریست را متوقف کنید"، و "پروژه را منحل کنید". خبر این تظاهرات از رادیو و برخی از مطبوعات کثیرالانتشار منتشر گردید.

روزنامه Stockholmtidning در روز چهارشنبه ۲۵ جولای، در این مورد نوشت:

"ایرانیانی که در روز سه‌شنبه دست به تظاهرات زدند مطرح میکنند که رژیم خمینی صدها پزشک و خدمه

بیمارستان را قتل عام و آواره کرده است. آنها برضد آموزش پزشکان هوادار خمینی در سوئدا اعتراض میکنند. آنها میگویند که این پروژه ۴ میلیارد کرونی، هدفی جز جاسوسی و ترور علیه اپوزیسیون ایرانی در سوئد ندارد." در همین رابطه تظاهراتی نیز در یکی از شهرستانهای کوچک سوئد بنام Veterlanda با شرکت ۶۰ هزار نفر از پناهندگان ایرانی در همانروز انجام گرفت. در این تظاهرات جنایات رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی وسیعاً افشا گردید.

سندیکا‌های کارگری در شهر نانسی فرانسه انجام شد. انجمن هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران واحد نانسی ضمن شرکت و حمایت از مبارزات گسترده کارگران استان لورن، با پخش اعلامیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی را در مورد - وضع کارگران و قوانین ارتجاعی کار، وجود ۱۰۰ هزار زندانی سیاسی و جو فشار و خفقان، اعدام اسرای جنگی استفاده از کودکان و نوجوانان در جنگ ارتجاعی ایران و عراق برای خنثی کردن میدان مین و ... افشاء نمود. همچنین در این تظاهرات با فروش نشریات سازمان، رفقای هوادار به تبلیغ نظرات و برنامه عمل سچفا پرداختند.

ضمناً یادآورد می‌شویم، که انجمن نانسی تنها نیروی خارجی شرکت‌کننده در این تظاهرات بود. همبستگی انترناسیونالیستی رفقای هوادار سچفا وسیعاً مورد استقبال کارگران و سندیکاها قرار گرفت.

آمریکا - سانفرانسیسکو

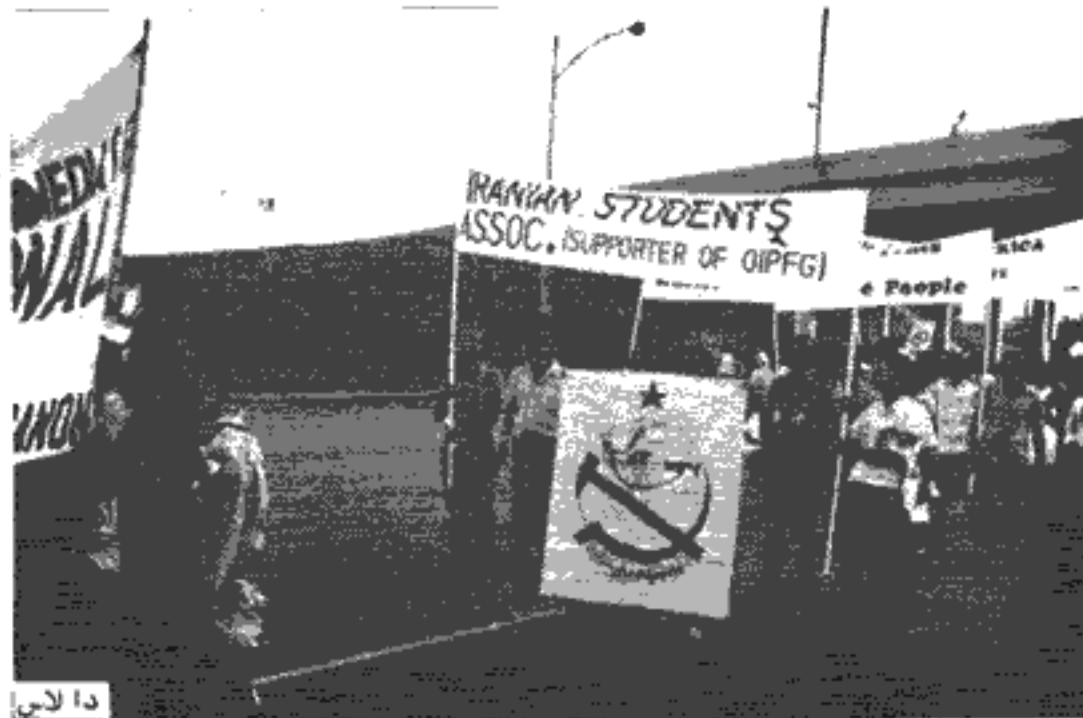
دوشنبه ۱۶ جولای، روز گشایش



فرانسه - نانسی

بدنبال حذف ۲۰ هزار شغل از طرف "دولت سوسیالیستی" فرانسه در رشته صنایع فولاد و ذوب آهن در استان لورن، تظاهراتی از طرف

کنگره ملی (Convention) حزب دمکرات آمریکا، شهر سانفرانسیسکو کالیفرنیا شاهد تجمعی حدود سی - هزار نفر در بیرون محل گردهمایی دمکراتهای آمریکائی بود. این عده به دعوت ائتلاف "در سال ۸۴ به



دالاس

آمریکا - دالاس

به مناسبت برگزاری کنگره‌ی جمهوریخواهان آمریکا، شهردالاس از تاریخ شنبه هیجدهم تا پنجشنبه بیست و سوم آگوست به یکی از مراکزیر جنب و جوش فعالیت‌های سیاسی تبدیل شده بود.

طی برگزاری این کنوانسیون، تظاهرات وسیعی از طرف نیروهای مختلف در شهردالاس برگزار شد. روز شنبه هیجدهم آگوست تظاهرات ضد جنگ و ضد سلاح‌های هسته‌ای با شرکت سازمان‌ها و نیروهای مختلف بصورت منظم و در صفوف فشرده طی یک راهپیمایی از محل تظاهرات تا محل برگزاری کنگره جمهوریخواهان انجام گرفت. هواداران سازمان در این تظاهرات با حمل شعارها

ملح رای بدهید" متشکل از پانصد سازمان آمریکایی و بین‌المللی ملح طلب، ضد جنگ هسته‌ای، مذهبی مترقی و ضد امپریالیستی حمله خواستهای محوری این ائتلاف، یعنی ملح، سیاست عدم مداخله نظامی و عدالت اجتماعی، اجتماع کرده بودند. در مراسم فوق، سخنرانان زیادی از جمله جسی جکسون، کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا حضور داشتند. نمایندگان جنبشهای همبستگی و رهائیش از قبیل آرنالدو روماس نماینده جبهه انقلابی دمکراتیک السالوادور (FDR/ FMLN)، دو نماینده کنگره فلسطین در آمریکای شمالی نیز در گردهمایی سخنرانی نمودند. سیاستهای جنگ طلبانه و فدیشری دولت آمریکا در سطح بین‌المللی و مشخصا در آمریکای مرکزی و خاورمیانه توسط اکثر سخنرانان محکوم و افشا شد. رفقای هوادار سازمان نیز با حمل شعارهایی، خواهان آزادی زندانیان سیاسی، محکوم نمودن نقض حقوق دمکراتیک مردم ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی، پایان دادن به جنگ ارتجاعی ایران و عراق و سرنگونی دولت جنایتکار جمهوری اسلامی گشتند. رفقای هوادار در این آکسیون توانستند جنایات رژیم را در سطح وسیعی افشا کنند.



سانفرانسیسکو

وبلاک‌دهای مناسب و پخش اعلامیه به افشای جنایات رژیم منفور جمهوری اسلامی پرداختند و صدای حق طلبانه‌ی کارگران، زحمتکشان و خلقهای ایران را به گوش مردم آمریکا رساندند. روزیکشنبه تظاهرات وسیعی در حمایت از مبارزات خلق قهرمان السالوادور و محکوم کردن دخالت ایالات متحده در آمریکای مرکزی برگزار گردید. هواداران سازمان جهت ابراز همبستگی با خلق قهرمان السالوادور فعالانه در این تظاهرات شرکت کردند.

روز دوشنبه جمعی از سلطنت‌ست‌طلبان، جهت ابراز وفاداری به ریگان به منزله نماینده‌ی جناحی از امپریالیسم جهانی، و جلب مرحمت و حمایت ارباب بزرگ در محل تظاهرات گرد آمدند. معرکه‌ی این اوباش که بوسیله‌ی پلیس فاشیست آمریکا شدیداً محافظت میشد، بوسیله‌ی هواداران سازمان و هواداران چریکهای فدائی خلق ایران درهم ریخته شد. هواداران سازمان و هواداران چریکهای فدائی خلق ایران با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر سلطنت و مرگ بر ساواکی فراری به زبانهای انگلیسی و فارسی به افشاکاری وسیعی در محل تظاهرات و اهداف آن دست زدند. صحنه‌هایی از این تظاهرات بویژه جریان درگیری بوسیله‌ی شیکه‌های تلویزیونی پخش شد. تعدادی از عناصر مترقی نیز بصورت مستقل در این تظاهرات



به سومین کنگره سازمان دانشجویان ایرانی

در آلمان غربی هوادار

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

فقط!

در شرايطي شما اقدام به برگزاري كننگره و تجديد عهد با آرمانهاي طبقه كارگر و رعاي اديرا افتخار سازمان جريكهاي فدايي خلق ايران مي نماييد كه هنوز رژيم ضد خلقني جمهوري اسلامي ايران جا كم است و هر روز سر تا سمايي هاي اجتماعي افزوده مي شود، بسيكاري و فقر و فلاكت سيدا مي كند، از راي و يا محتاج روزمره شده هاي مردم نياست. قسمت گزلاها همچنان رويده افزايش است. تحت پوشش سياست سرسبز كننگر نيايمان انقلابيون هر روز ادمه دارد، خلق كردزير و احتيا ته ترين حملات سيما ته رژيم قهرمانانه مقاومت مي كند. رژيم جمهوري اسلامي ته نهنگاي مانا جبري در جهت تخفيف فقر و فلاكت عمومي بر ندها شده، بلكه سا ادا ته جنگ ارضايي ايران و عراق ته اوضاع فلاكت مارا اقتصادي و سر كوت هره جهه بيشتر ته وهاي انقلابي دان زده و مما ش و فتنه رهاي جنگ را بيزه آنها افزوده است. نا كسون صدها هزار تن از جوانان و زحمكتگان ايران در ميدانهاي جنگ كشته و مجروح شده اند، ميليونها تن خانه و گاهانه خود را از دست داده اند و كنسوره و پرايه اي تهديد شده است. در حال كه رژيم همچنان شعار جنگ ته تا بيروزي را سر مي دهد. در كنار ربحرانهاي عميقي كه از هر سوا كست را در بر گرفته است، اعتراضات شده هاي مردم كه خواستار گارتان، صلح و اوضاع اجتماعي و حقوق دموكراتيك هستند در شديافته است. به سوزنا اعتراضات طيفه كارگر اسما دگسترده تري به خود گرفته و گويي اسين واقعتا است كه خا معا مل تحول عظيمي است و ديگر هرح گونه رفرم و سر كوت فادريه ميا ر كردن آن بعيها شد. ادا ته كننگر روحنايات رژيم شده ها را به صحنه ساز زه انتكارتكنا ندها است، در كارخانه ها، روستا ها و جده ها ته خميني جلاد و رژيم جمهوري اسلامي ناسازا مي گويند، اشكال مختلف ساز زه از جمله اعتصاب، كم كاري و تخريم اسما دجدي به خود گرفته و همي خاكي زان است كه رژيم براي ساز زاري شده ها از ساز زه، در اسما به سرسبز اخشاقي با موفق شده است. اما اسين ساز زه ها به روي تو هم بلكه سا آكا هي وشا خت نسبي به دنال آلتريا شو ميروند. ته ردي نسبت كه رژيم با اسين همه معا شد اجتماعي كه ميا را نوردده است و حسا به تي كه مرتكب شده است لحظه سقوط فطمي خود را شروع نموده است و شرايط مناسب تري براي سرنگوني خود را فراهم كرده است. در جنسي شرايطي، ششده كارگر كه اسما براي ابراشا ختن نظام تهنگر اسما به داري و استقرا روسا لسيم ساز زه مي كند، ته نه طيفه اي است كه قادرا است در مرحله كسوي انقلاب توده وسع مردم را رهبري كند. اسين شرايط و ظايف بسيكمني ته سر دوش سازمان جريكهاي فدايي خلق ايران مي گذاردن سازا خت و تحصيل منحصر از شرايط كنسوي خا معا به اسما به اي مناسب سوز مينه خواسته هاي شده ها و نيا زهاي جا معا، سا كا نا تيره كردن وسا ياناندهي ساز زات شده اي حقا نسبت آلتريا ته سوزولتري را به اشا ت رما ته.

همانگونه كه آكا هبدا زمان جريكهاي فدايي خلق ايران سا نا كيد سر ضرورت سازماندهي طبقاتي بيولنا ربا وسا بر شده هاي تحت ستم درواستي دست بايي به اتحادهاي اصولي، سرنماه عمل انقلابي جهت سرنگوني رژيم جمهوري اسلامي را شده ادا ته و نا اكسون گامهاي عملي در اسين زمينه برداشته است. از اسين رودر شرايط كنسوي ته سوكي و اتحاد عمل انقلابي اسين سازمانهاي اجتماعي را از طريق ساز زه سرحما ته عليه رژيم جمهوري اسلامي مسير مي ردا سم.

دل خوش کرده اند. می خواهند دید جز مدون (شوق) استود خوشجات بر طمطراق خود در زیر کا کشر جوابت.

ما با افتخار اعلام می‌داریم که طرح‌های بی‌طرفه‌ی کارگروه‌های زحمتکش از زیربوغ رژیم فدخلی جمهوری اسلامی، میراثیسم جهانی، به‌ویژه میراثیسم آمریکا تا اکنون به‌فصمت بسیار رگزی فی سه مقایست سراسری علیه‌یورش همه‌جانبه‌یاریک اندیشنا جمهوری اسلامی داده‌ایم. به‌حق رفقای ما چه در میان کارگران و چه در میان سیراقنا زحمتکش بیشترین کار سیاسی-تبلیغی را نموده‌اند و تا سرتکوی رژیم جمهوری اسلامی و مخونه‌ی ما تا ربه‌ی سیده نظام کهن به‌نبرد خودا داده‌ایم خواهیم داد. طی این دوره علی‌رغم تحمل فرسایش سنگین و از دست دادن چندین از روحیه‌ترین اعضا کمیته مرکزی سازمان در اسفندماه ۶۰، هم‌اکنون فعالیتهای گسترده سیاسی-تبلیغی سازمان در سراسر ایران سر نموده‌ای زحمتکش میهنیان متهود است، با سازی بخشهای فربه‌خورده تشکیلات، فعالیت کمیته‌های کارگری، ادا ممانتار و نشریه کار، مقایست و معارزه قهرمانان نه‌رفقای پیشمرگ سازمان در کردستان و ورماندن سبک شورا انگیز کارگران و زحمتکشان به‌وسیله رادیه‌های غذای زانمونه‌های سانس برانگیز بخشهای مختلف تشکیلات سازمان می‌باشد.

موقعیت کنونی وظایف بیشمار در دفاع از مایه‌ها و داخل بیرونش شام گذارده است. در عرض یک سال گذشته آکسیونهای سراسری هواداران سارمان در خارج از کشور که بخشی از مبارزات سراسری کارگران و زحمتکشان ایران محسوب می‌شود، نقش بسزایی در افتای چهره واقعی رژیم جمهوری اسلامی ایران ایفا کرده است. مزدوران رژیم اکنون می‌دانند که در هیچ حای دنیا از خشم فرزندان خلق در امان نخواهند بود. اما امروزه در خارج از کشور نیروهای متعددی علیه جمهوری اسلامی صف آرایی نموده اند. شما به مثابه هواداران بگیرشترین سازمان مدافع منافع کارگران و زحمتکشان و طبقه دارید و شما و سایر خرد و دقا طما به ما نیروهای ضد استالانی بوزبسیون ار مخدوش شدن صف انقلاب و ضد انقلاب جلوگیری کنید. به سلطنت طلبان، ساواکی‌ها این سوگران خلق به گوش امیر با لسم را که خواهان اعیای نظم‌نویسین سلطنتی هستند، به نیروهای ضد انقلابی چون حزب توده و هر دو جناح موسوم به اکثریت خائن که فعلا لانه در سیاستهای سرکوب و اخذتاق رژیم جمهوری اسلامی شرکت کردند، اجازه فعالیت ندهید، با تنگاری ها و در میسم هواداران شورای ملی مقاومت را ایفا کنید.

مطری سه‌گانه مایه‌ی عملی‌ها و های آزمودنیان در دو بخش رهبری طبقه‌ها و رهگر (در خارج از کشور) مبتدا و زید، به وضوح درخواه‌ها و انت‌ها اعمال اینان چندر با گفتارشان تطابق دارد. افرادی که به‌شش‌ها می‌خوردند، گروه، سازمان، جنس، ارگان و ولادت‌ها و تربیت هم‌ها مبتدا و ره‌ها و زید را با این‌ها به‌شش‌ها دل‌گرم کرده‌اند که چه‌کسانی به‌آنها می‌ای طبقه‌ها و ره‌ها و زید می‌کنند، چه‌کسی در روند مایه‌ها و زید طبقه‌ها و زید می‌شود، نه‌آنها برای اسرار و نظرات کیه‌ها و زید خود نسبت به طبقه‌ها و ره‌ها و زید مایه‌ها و زید می‌شود.

شرکت گردند .

تظا هرات وسیع دیگری بوسیله دانشجویان ایرانی در روز چهارشنبه بیست و دوم آگوست در محل برگزاری - کنکره جمهوریخواهان انجام گرفت . این تظا هرات بصورت مشترک بوسیله ی هواداران چریکهای فدایی خلق ایران (آر خا) ، هواداران کومله ، هواداران چریکهای فدائی خلق ایران و هواداران سازمان برگزار گردید و طی آن محفل تظا هرات به محل افشای گری علیه رژیم جمهوری اسلامی و سلطنت طلبان ورشکسته تبدیل گردید . این تظا هرات حدود ۴ ساعت بطول انجام مید و سلطنت طلبان - زبون که تحت حمایت پلیس در گوشه ای جمع شده بودند ، مجالی برای عرصا ندام نیافتند .

در این میان جمعی از تماشاگران و
عابران با تظا هر کنندگان همصدا شده و
با شعارهای مرگ بر خمینی، مرگ بر
سلطنت همبستگی خود را با دانشجویان
ایرانی ابراز داشتند. سرانجام
ساواکیان فراری درحالیکه با شعار-
های انقلابی و پیر صلابت "مرگ بر ساواکی
فراری" بدرقه میشدند با ترس و لرز به
اتوبوسهایشان بازگشته و صحنه را
تروک کردند.

تضادهای ...

بقية الصفحة ٥

از خلال بحران و آشفتگی وضعیت
 ضد انقلاب حاکم و افشای آلترونا تیو-
 های ارتجاعی و فرمیت، رهبری جنبش
 توده‌ای را بدست گیرد. کمونیست‌ها
 ضمن تلاش برای خنثی کردن طرح‌های
 ضدانقلاب مغلوب و آلترونا تیوهای
 ارتجاعی و ضمن افشای سازشکاریهای
 مجاهدین، می‌باید براساس یک
 برنامه همه‌جانبه و استراتژی
 مشخص در جهت سازماندهی طبقه کارگر
 و زحمتکشان در تدارک کسب قدرت
 سیاسی بپرایند. ■

کشف یک گروه تروریستی

رژیم در اسپانیا

بدنبال مشکوک شدن و پیورش پلیس به خانه یکی از ایرانیها در مادرید بنام سید جبار حسینی که ظاهرا خانه اش مورد استفسار بوده مجروحان جنگی تحت مداوا در اروپا میباشد، مقادیر زیادی مهمات و اسلحه کشف گردید. در طی این پیورش به ایرانی حامی رژیم در بارسلون دستگیر شدند و نفر چهارمی نیز در مادرید در بازداشت بسر میبرد. به قرار معلوم آقای سید جبار حسینی دستوراتی به منظور طرح حمله و - ربودن یک هواپیمای عربستان سعودی و برپائی یک گروه تروریستی به قصد ترور اشخاص مشخص "اما بی نام" را از ایران دریافت نمیکرده. همچنین به نظر میرسد که آقای حسینی در ارتباط با نفر پنجم به منظور بدست آوردن مهمات لازم برای انجام این طرح بوده است. ■

رفع نیازهای جنسی و شهوانی نگاه میکنند و از فعالیتهای وی در - عرصه های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جلوگیری میکنند، بسیار طبیعی است که از فعالیتهای ورزشی وی که طبیعتا به لباسهای ورزشی (بخوان: لباسهای غیر اسلامی) احتیاج دارد، مانع کنند.

در اینجا مسئله ای که ناخودآگاه به ذهن میرسد (و امیدواریم که رهبران مجاهدین ما را متهم نکنند که با طرح این مسائل مبارزه با خمینی را تبدیل به مبارزه با مجاهدین کرده ایم!)، این است که سرنوشت ورزش زنان در جمهوری دمکراتیک اسلامی مجاهدین چه میشود؟! آنچه که تا بحال شاهد بوده ایم این است که آنها نیز به خاطر منشاء اسلامی مشترکشان با رژیم جمهوری اسلامی، تا بحال رعایت پوشش اسلامی را کرده اند و زنان خود را در - روپوشها و لباسهای چند شماره گشاد محبوس میدارند! ■

فدائی خلق ایران خوراکی برای محفل کوچک فقیر خود دست و پا کنند، فرصت طلبانی که امروز با مستمک فرار دادن کارآمد موکراتیک در خارج از کشور معجون نا معلومی را می خواهند به حش دانشجویی خارج از کشور تحویل کنند. عمل اینان شمری نخواهد داشت جز خدمت به بیراهه کشیدن جنبش انقلابی ایران. این افراد خود بزرگ ترین فرقه گرایانی هستند که امروز در خارج از کشور از "وحدت دم مسی - زنده و به حق شما در برابر شک ما" رزائی نشان دادند که بسیار بدفروست قریبا دهائی گشاده خورده خود در تنافق در جنبش انقلابی ایران و به ویژه امروز در خارج از کشور افشا شده اند. لازم به یادآوری است بعضی از همین عناصر محور فعل است خود را فقط در تحریکات ضد فداائی جستجو می کنند. این افراد هر روز فعالیت انقلابی (!) خود را در راه سعیرا کثی، تهمت و افترا به سازمان ما جستجو می کنند، اینان تا آنجا پیش میروند که دفاع از خا شنین به سازمان خود فروختگان را نیز برای اهداف لیسرا لئی خود دست آورده اند. فراموش می دهند، افشای جبهه واقعی این عناصر دروغین مدعی موکراتیک و رهبری طبقه کارگر در خارج به عهده شما رفقای مواد دارما رمان است که به دفاع از اهداف کارگران و رزمندگان و راهبران بخار سازمان جریکهای فدائی خلق ایران برخاسته اند.

ارتقا ایدئولوژیک اردیگرو طایفه ای است که با بدنه هر ترست ممکن علیه شما می فشارد. کار سیاسی - جنگلانی در دستور کار قرار دهد، به خاطر داشته باشید که شما امروز در خارج از کشور فرصت گزاسها و منابع ارزتمندی در اختیار دارید، شما که به دفاع از حط و مشی اصولی سازمان برخاسته اید و اهداف خود را در راه بی طبقه کارگر و توده های تحت تسلط بر گزیده اید و خود در گسترش مبارزه عملی با استعمارگر می باشد پیش از هر فردا انقلابی دیگری نیاز به دانش ما رکسم - لسنسم دارید، بنابراین ضرورت دارد بر شما مه های متخصی جهت با لایردن دانش سیاسی - ایدئولوژیک خود ندوین شما سید رفقای مسئول شکل ها در اسس با ره و طایفه سگسینه عهده دار شد.

سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - کسبه خارج از کشور

۵ ژوئیه ۱۹۸۲

توده ای، بعد از ناتوانائی بورژوازی ملی و احزاب آن در - مقابله با امپریالیست و صهیونیسم، نقشی مهم در این زمینه دارد. فقدان رهبری طبقه کارگر اساسا از ضعف این طبقه و شرایط عینی که در آن بسر میبرد، ناشی میشود و همچنین شرایط سخت عینی که در مقابل جنبش آزادیبخش ملی عرب قرار دارد، کوششها و اقدامات این جنبش و نیروهای آن را در جهت پیشرفت، بسیار محدود میازد.

بقیه از
صفحه ۲۱

جنبش آزادیبخش و توده های عرب زیرا خنثی غیر قابل توصیفی بسر میبرند. نه تنها آزادیهای دمکراتیک در بخش عربی وجود ندارد، بلکه حتی آزادیهای اولیه انسان نیز زیر پا گذاشته میشود. آزادی بیان ممنوع است. از استقلال و عدالت خبری نیست و سانسور در تمام زمینه های فرهنگی و خبری رایج است.

ادامه دارد

وضعیت ورزش زنان

بقیه از صفحه ۱۳

محققا چون این مسئله در کشور آنها مثل ایران هنوز کاملا جا نیفتاده است، مقداری مشکلات حس میکنند، اما با توجه به اینکه اسلام گسترده گی خودش را در همه جا ادامه خواهد داد، امیدواریم در آئینده نزدیک کنفدراسیونی جهت ورزشهای اسلامی در سطح آسیا حداقل بوجود آید و ایران هم پایه گذار این کنفدراسیون باشد.

عقب ماندگی و جهل و خرافات در رژیم سفیهان برآستی که حد و مرز ندارد. ایجاد کنفدراسیون ورزشهای اسلامی، بویژه برای زنان آنقدر احمقانه و مضحک است که

عقب مانده ترین و ارتجاعی ترین کشورهای اسلامی جرئت طرح کردن آنها هم بخود نداده اند.

رژیمی که در کلیه شئون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زنان را تحقیر میکند و به آنها ستم روا میدارد، طبیعی است که در عرصه ورزش نیز زنان را عملا از ورزش کردن، که برای رشد قوای جسمی و فکری انسان ضروری است، محروم کند. ستم و اجحافی که رژیم جمهوری سفیهان به زنان در مورد ورزش روا میدارد، مانند موارد - دیگر، ناشی از ایدئولوژی عقب مانده مذهبی است که این مرتجعین با خود حمل میکنند، کسانی که به زن صرفا به عنوان موجودی برای



بودجه سال ۱۳۶۳

و

تشدید

بحران اقتصادی

(های خامنه‌ای رئیس کمیسیون اقتصادی و دارایی مجلس اطلاعات ۶۳/۱/۸).

با اینحال های خامنه‌ای در اینجا سعی می‌نماید وابستگی سرمایه‌داری ایران به امپریالیسم جهانی و بویژه وابستگی به سیاست‌های امپریالیستی در مسوود فروش نفت را با ذکر "هماهنگی با سیاست‌های بین - المللی" پنهان نماید.

از دیگر منابع درآمد بودجه (تا آنجا که اعلام شده است)، مبلغ ۸۵۷ میلیارد ریالی است که قرار است از محل مالیات‌های دریافتی، تامین شود. اما باز هم بنا بر اعتراف مسئولین امر از مبلغ اعلام شده فوق، آن مقداری که سهم زحمتکشان است، بالاجبار تادیه می‌شود و در عوض سرمایه‌داران به انحاء مختلف یا از پرداخت مالیات معاف می‌شوند و یا از دادن آن طفره می‌روند. هرچند بسیاری از مقامات رژیم ظاهراً این مسئله را نفی می‌کنند: "طبیعی است که همه بایستد مالیات بدهند. چنانکه در مورد خمس با یک فابطسه معینی همه باید بپردازند. اینطور نیست که خمس را صرفاً طبقات ثروتمند بپردازند و طبقه ضعیف نپردازد. فرقی نمی‌کند که پرداخت‌کننده خمس یک فرد کارگر روزمزد باشد یا فردی صاحب درآمد بسیار یا اینکه در طول سال با صرفه جویی زندگی کرده یا در رفاه بوده است." (موسوی خوئینی ها، اطلاعات ۶۳/۱/۶)

ولی آنجا که جنبه عملی دریافت مالیات مطرح می‌شود، دست رژیم فقط در اخاذی از ستمکشان باز است و آنطور که های خامنه‌ای می‌گوید: "در گرفتن مالیات از حقوق بگیران هیچ مشکلی وجود ندارد. زیرا در صد مالیات و لیست‌های حقوقی مشخصی دارند که هر ماه مبلغی بعنوان مالیات از آنها کسر می‌شود." (اطلاعات،

بودجه سال ۱۳۶۳ که در آخر سال گذشته از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت، آئینده تمام نمایی است از سیاست‌های اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی. آنچه که بعنوان "جزئیات و خصوصیات بودجه سال ۶۳" توسط یانکی در روزنامه اطلاعات ۶۳/۱/۷ تشریح شد، نشانگر تشدید بحران اقتصادی، تورم مالی، رکود صنعتی، وابستگی هرچه بیشتر به سرمایه‌های مالی جهانی، غارت نفت و سایر منابع ملی، استثمار کارگران و چپاول زحمتکشان از یک طرف و بر کردن خزانه سیری ناپذیر امپریالیست ها و جیب سرمایه‌داران وابسته داخلی از طرف دیگر می‌باشد.

نگاهی به اقلام اعلام شده بودجه و توضیحات مقامات رژیم پیرامون آن (چه در مورد منابع درآمد بودجه و چه در باره هزینه‌های آن)، ادعای فوق را به وضوح ثابت می‌کند.

درآمد بودجه

مانند سالهای گذشته، عمده‌ترین بخش درآمد بودجه از محل فروش نفت تامین می‌شود. در واقع تا مین ۱۸۰۰ میلیارد ریال از درآمد بودجه از محل فروش نفت با توجه به سیاست رژیم در این مورد نشان می‌دهد که سرمایه‌داران رژیم برای سرپا نگاه داشتن حکومت اسلامی خود مجبورند نفت را بهر قیمتی که بازار جهانی تقاضا کند، عرضه دارند و در این رابطه هیچ ابایی ندارند که اعلام دارند: "اصولاً فروش نفت و تکیه ما بر تامین بودجه از این مسیر دقیقاً ما را بطور غیرمستقیم زیر فشار سیاست‌های بین المللی خواهد برد. چرا که خرید و فروش نفت تابعی است از نوسانات از جمله هماهنگی با اوپک و کشورهای دیگر و سیاست‌های بین المللی."